

نگاهی به مناسبات سیاسی ایران و فرانسه

غلامرضا علی‌بابایی^۱

کشور فرانسه تا پیش از قرن پنجم میلادی دارای وحدت سیاسی نبود و مناسبات مردم آن با ایرانی‌ها متأثر از روابط ایران و روم بود.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در کتاب جامع‌التواریخ رشیدی در فصل تاریخ افرنج، اطلاعات مفصلی درباره‌ی حدود فرمانروایان فرنگ و پایتخت و حکمرانان فرانسه به دست می‌دهد.

آغاز روابط ایران و فرانسه را می‌توان از سال ۱۲۹۲ میلادی که سفیری از جانب ارغون‌خان به دربار فیلیپ لویل پادشاه فرانسه اعزام شد، دانست. ولی به قراین و شواهد بسیار، تماس‌ها و مناسبات بین ایرانی‌ها و فرانسوی‌ها از مدت‌ها قبل از این تاریخ وجود داشته است.

تا اواسط قرن هفدهم میلادی موانع متعددی بر سر راه رسیدن اروپایی‌ها به ایران و ایرانی‌ها به اروپا وجود داشت که مهم‌ترین آنها مخالفت دولت عثمانی از یک طرف و مشکلات و خطرات سفر از طرف دیگر بود. ولی با وجود این مشکلات، در دوران صفویه پای سیاحان فرانسوی به ایران باز شد و این مسافران با انتشار سفرنامه‌های خود توجه و علاقه‌ی به ایران را در اروپا به وجود آوردند.

۱. غلامرضا علی‌بابایی، پژوهشگر ارشد و دبیر شورای کتاب در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه است.

روابط ایران و فرانسه در دوره‌ی صفویه

لویی سیزدهم پادشاه فرانسه در سال ۱۶۳۶ میلادی تصمیم گرفت که با پادشاه ایران رسماً ارتباط برقرار کند و لذا یکی از اشراف فرانسه به نام «لویی دهه» معروف به «بارون دو کورمنن»^۱ را به دربار شاه صفی فرستاد. مقصود از اعزام او در ظاهر فقط تبلیغات مذهبی و ایجاد مبادلات تجاری بین دو کشور بود ولی از متن دستورالعمل مورخ ۱۸ فوریه‌ی ۱۶۳۶ پادشاه فرانسه به نماینده‌ی مزبور، پیداست که جنبه‌ی سیاسی نمایندگی عمده‌اً به علت ملاحظه‌ی رقابت و خصومت عثمانی نسبت به ایران، تصریح نشده است. سفارت لویی دوکورمنن به نتیجه‌ی نرسید.

در سال ۱۶۴۴ کشیشی به نام «رافائل دومان»^۲ به اصفهان وارد شد و حدود ۵۱ سال در دربار ایران به سر برد. این کشیش یک ریاضیدان ماهر بود و به هیچ وجه مساعی خود را به وظایف مذهبی محدود نمی‌ساخت بلکه برعکس بیشتر اوقات خویش را به مطالعه‌ی زبان فارسی و روحیات مردم ایران و اوضاع اداری آن مصروف می‌نمود. کتاب او به نام «اوضاع ایران در سال ۱۶۶۰»^۳ که برای «کولبر»^۴ وزیر مالیه‌ی فرانسه نوشت، ارزش و اهمیت بسیاری داشت چراکه او کلیه‌ی اطلاعاتی را که کولبر برای تشکیل شرکت فرانسوی هند شرقی در سال‌های بعد (۱۶۶۴) لازم داشت، در این کتاب گردآورده بود.

در سال ۱۶۶۴ از طرف لویی چهاردهم و شرکت فرانسوی هند شرقی یک هیأت سه نفره نزد پادشاه ایران اعزام شد. نمایندگان مزبور که دستور داشتند از خاک عثمانی به طور ناشناس عبور کنند، در ژوئیه‌ی ۱۶۶۵ به اصفهان رسیدند و با مراسم مفصل و باشکوهی به دربار پادشاه صفوی بار یافتند.

یکی از افراد این هیأت به نام دوژونشر^۵ در سال ۱۶۷۱ فرمانی از پادشاه ایران

1. Louis des Hayes = Baron de Courmenin

2. Raphael Du Mans

3. Etat de la Perse en 1660

4. J.B. Colbert

5. De Joncheres

درخصوص بازرگانان فرانسه گرفت که می‌توان آن را اولین توافق بین ایران و فرانسه تلقی نمود. به موجب این فرمان، بازرگانان فرانسوی آزادانه می‌توانستند سفرکنند و از هرگونه حقوق گمرکی برای صادرات و واردات خود معاف بودند. هر چند مشکلات متعددی مانع اجرای فرمان مزبور شد ولی مسافرت و تجارت فرانسوی‌ها در ایران بدون مانع ادامه یافت. پس از سفر دوژونشر، دربار ایران عجله داشت که روابط بازرگانی بین ایران و فرانسه دایر شود ولی اقدامی در این زمینه از طرف فرانسوی‌ها به عمل نیامد.

در سال ۱۶۹۸ سفیر فرانسه در قسطنطنیه به نام «دوشاتونوف»^۱ یکی از تجار ماری به نام «بیلون دوکانسویل»^۲ را برای آگاهی از رموز کار به ایران فرستاد و وی تا سال ۱۷۰۵ در ایران ماند.

شاه سلطان حسین در ماه مارس ۱۷۰۳ نامه‌ی دیگری نزد لویی چهاردهم فرستاد که ضمن آن نوشته بود: «منتظر ورود نماینده‌ی فرانسه هستیم که مقررات سابق را تایید کند». لویی چهاردهم در ۱۷۰۴ سفیری به نام ژب فابر^۳ را با نامه‌ی به دربار ایران فرستاد. کولبر نیز در نامه‌ی به صدر اعظم ایران نوشت: «امیدوارم که آقای فابر بتواند رابطه‌ی دو ملت فرانسه و ایران را تحکیم کند».

فابر با مشکلاتی که در راه سفر به ایران وجود داشت، روبه‌رو شد. یعنی علاوه بر مخالفت دولت عثمانی، این بار مخالفت انگلیسی‌ها هم به آن اضافه شده بود ولی عاقبت با مشقت بسیار به ایران رسید. وی در اوت ۱۷۰۶ بدون این که بتواند مأموریت خود را انجام دهد در ایروان درگذشت.

پس از مرگ فابر، دربار فرانسه در سال ۱۷۰۶ شخصی به نام پیر ویکتور میشل^۴ را از میان اعضای سفارت فرانسه در قسطنطنیه به سمت نماینده انتخاب و به دربار شاه سلطان حسین اعزام داشت. میشل روز ۱۸ مه ۱۷۰۸ رسماً وارد اصفهان شد و روز ۷ ژوئن به حضور

1. De Chateauf

2. Billon de Canseville

3. J.B. Fabre

4. Pierre Victor Michel

شاه بار یافت. به دنبال مذاکرات این نماینده اولین عهدنامه‌ی ایران و فرانسه در سال ۱۷۰۸ منعقد شد.

عهدنامه‌ی تجاری ۱۷۰۸

این عهدنامه دارای یک مقدمه با تعارفات به سبک آن زمان و ۳۱ ماده است. ۱۵ ماده‌ی اول مربوط به شرایط بازرگانی فرانسویان در ایران، مقدار کالا و طلا و نقره‌ی است که بازرگانان می‌توانستند به ایران وارد و یا خارج نمایند. شرایط اقامت و وضعیت حقوقی فرانسویان و حفظ حقوق مبلغین مذهبی در مواد ۱۶ تا ۳۰ تصریح شده است. ماده‌ی ۳۱ قرارداد ذکر شده، مدت آن را تا ابد معین کرده است.

این قرارداد برای کنسول‌های فرانسه و اتباع این کشور مصونیت قضایی قایل شده است. ولی باید دانست این امتیاز که در واقع همان کاپیتولاسیون است، در آن موقع به عنوان نزاکت داده شده بود. چندسال بعد نظیر همان امتیازات را دولت فرانسه به کنسول ایران داد.

روز بعد از عقد قرارداد، شاه سلطان حسین ضمن فرمانی قرارداد را تصویب کرد و دستور اجرای آن را داد. در دسامبر ۱۷۰۹، لویی چهاردهم به درخواست میشل، نامه‌ی بی‌به پادشاه ایران نوشت و رضایت خود را از عقد قرارداد ابراز داشت و در ۱۸ نوامبر ۱۷۱۱ آن را رسماً تصویب نمود و اجرای آن را به خاتمه‌ی جنگ‌های خود در اروپا موکول کرد.

شاه سلطان حسین در سال ۱۷۱۴ سفیری به نام محمدرضا بیک را به دربار لویی چهاردهم اعزام کرد. محمدرضا بیک پس از تحمل مشقت و زحمت بسیار از طرف عثمانی‌ها، به فرانسه رسید و روز ۱۹ فوریه‌ی ۱۷۱۵ با جلال و شکوه بی‌نظیری - که جزئیات آن در دسترس است - نزد لویی چهاردهم بار یافت.

حق قضاوت کنسولی

مذاکرات سفیر ایران با دولت فرانسه ۵ ماه طول کشید و به عقد قرارداد ۱۳ اوت، که مکمل قرارداد ۱۷۰۸ بود، منجر شد. لویی چهاردهم قرارداد ۱۷۱۵ را تصویب کرد و به موقع

اجرا گذاشت. به موجب این قرارداد، فرانسه دو تعهد داشت:

۱. آزادی فعالیت تجاری ایرانی‌ها در فرانسه؛

۲. برقراری کنسولگری ایران در مارسی و اعطای حق قضاوت کنسولی به ایران.

محمدرضا بیگ قبل از عزیمت از پاریس، یک نفر ارمنی به نام یعقوب خان را به عنوان کنسول معرفی کرد و فرانسه او را به رسمیت شناخت.

آنچه در قرارداد ۱۷۱۵ جالب توجه است، حق قضاوتی است که فرانسه به عنوان معامله‌ی متقابل برای کنسول ایران قایل شد و شناختن این حق برای کنسول یک کشور مسلمان در یک کشور مسیحی، استثنایی بود که هرگز تکرار نشد.

در بایگانی وزارت امور خارجه‌ی فرانسه اسناد زیادی حاکی از وجود کنسول ایرانی در مارسی و کارهای او در مدت ده سال موجود است.

هرچند قرارداد ۱۷۱۵ نتایج قابل ذکری به بار نیاورد ولی سفارت محمدرضا بیگ اثرات مهمی را از نظر جلب توجه مردم فرانسه به ایران موجب شد. تا آن موقع سفرنامه‌ها و اطلاعات مربوط به ایران تنها در دسترس محققان بود ولی اقامت محمدرضا بیگ، در پاریس باعث تحریک و کنجکاوای عامه‌ی مردم نسبت به ایران گردید. به موجب روایت‌های موجود، تا مدت‌ها پس از عزیمت سفیر ایران، صحبت از او و زندگی‌اش نقل محافل و مجالس بود. به خصوص این که بنا به روایتی، یک دختر اشراف زاده‌ی فرانسوی به نام مارکیز دوپینه روسی^۱ پنهانی با او در کشتی نشست و عازم ایران شد و پس از یک سفر سخت و طولانی و به دنیا آوردن پسری در دانتزیگ، به ایروان رسید. پس از آن که محمدرضا بیگ خود را مسموم کرد و درگذشت، مارکیز هدایای پادشاه فرانسه را با خود به اصفهان برد و به پادشاه صفوی تقدیم کرد.

روابط ایران و فرانسه در دوره‌ی زندیه

پس از آن که روابط سیاسی ایران و فرانسه به علت سقوط سلسله‌ی صفویه تقریباً قطع

1. La Marquise Depinay Roussy

گردید، فرانسویان تا مدت شصت سال نسبت به ایران علاقه‌ی بی‌نشان ندادند تا این که در سال ۱۷۸۳ کنت دو فریر^۱ از طرف لویی شانزدهم پادشاه فرانسه مأمور شد به ایران بیاید و در راه انعقاد هرگونه اتحادی بین ایران، روسیه و اتریش اشکال تراشی و ممانعت کرده و ایران را به عثمانی نزدیک نماید. نماینده‌ی مزبور وقتی در فوریه‌ی ۱۷۸۳ به ایران رسید، ایران دچار هرج و مرج و زد و خورد بین بازماندگان کریم‌خان زند بود و علی مراد خان زند به علت جنگ‌های داخلی نتوانست به تقاضای وی ترتیب اثر بدهد.

روابط ایران و فرانسه در دوره‌ی قاجاریه

با وقوع انقلاب اکتبر فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی روابط بین دو کشور تا مدتی قطع شد تا این که در اوایل سال ۱۷۹۶ دو دانشمند فرانسوی به نام‌های برونیر و الیویه که به ظاهر از طرف دولت جمهوری فرانسه برای انجام مأموریت علمی به ایران اعزام شده بودند، وارد تهران شدند و نامه‌ی از طرف ریمون دوورتیناک^۲ (سفیر فرانسه در دربار عثمانی) به حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله صدراعظم آقا محمدخان تسلیم نمودند. در این نامه که در اول سپتامبر ۱۷۹۵ در استانبول نوشته شده بود، سفیر فرانسه پیشنهاد برقراری روابط دوستانه و مبادلات تجاری بین دو کشور را داد. حاجی ابراهیم خان در پاسخ این نامه نوشت: «ما متون معاهدات سابق بین دو کشور را مطالعه و به حسن نیت شما جهت افتتاح باب روابط دوستانه که متضمن استقرار و راحتی مسافری است، متوجه شدیم و به همین علت مایلیم اساس حسن تفاهم را برقرار کرده و با اعزام سفیر و مکاتبات دوستانه باب اتحاد و اتفاق بین دو کشور را باز سازیم.» اما به علت قتل آقا محمدخان و وقایعی که به دنبال آن در ایران رخ داد، مجدداً برقراری روابط بین دو کشور تا مدتی به تعویق افتاد.

1. De Ferriere

2. R. De Vorminac

نامه‌ی ناپلئون به آقامحمدخان قاجار

در سال ۱۷۹۸ که ناپلئون در مصر بود، نامه‌یی به آقا محمدخان قاجار نوشت و به وی پیشنهاد اتحاد کرد. ولی این نامه وقتی به تهران رسید که آقامحمدخان به قتل رسیده و فتحعلی‌شاه گرفتار سرکوبی شاه‌زادگان قاجار و مدعیان سلطنت بود. حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله با جوابی سرسری، آورنده‌ی نامه را از سرپاژ کرد.

در سال ۱۸۰۱ یک نفر تاجر ارمنی به نام آسکالون به اتفاق روسو (کنسول فرانسه در بغداد) به تهران آمدند و نامه‌یی از طرف دولت فرانسه به دولت ایران تسلیم کردند که یکبار دیگر تقاضای اتحاد بین دو کشور علیه دشمنان مشترک (یعنی روسیه و انگلستان) به عمل آمده بود. اما چون در همان ایام معاهدات دوستی و تجارت بین ایران و انگلستان منعقد شده بود، لذا به نامه‌ی مزبور هم ترتیب اثری داده نشد. به تدریج که زمامداران ایران از ظهور ناپلئون بناپارت و پیروزی‌های درخشان وی در اروپا بر روس‌ها و انگلیسی‌ها و اتریشی‌ها آگاه شدند توجهشان به اتحاد با فرانسه معطوف گردید.

در اثر اقدامات روسو در بغداد، ناپلئون به اهمیت راهبردی و منطقه‌یی ایران در حمله به هندوستان و قطع شریان حیاتی امپراتوری انگلیس پی برد و در سال ۱۸۰۲ به مارشال برون^۱ (سفیر فرانسه در دربار عثمانی) مأموریت داد تا با دولت ایران وارد مذاکره شود. اجرای این دستور مدتی به تأخیر افتاد تا این که در دوم اکتبر ۱۸۰۳ پرنس دوتالیران وزیر امور خارجه‌ی فرانسه به روسو دستور داد که جداً برای گشایش باب دوستی و اتحاد با دولت ایران اقدام نماید.

اشغال ناگهانی شهرهای شمالی قفقاز توسط روسیه و بی‌اعتنایی دولت انگلستان نسبت به ایران به خصوص شرایط بسیار سنگینی که برای اعطای کمک نظامی خود قایل شده و تقریباً آن را تعلیق به محال کرده بودند، باعث شد که توجه دولت ایران جداً به فرانسه جلب گردد. در دسامبر ۱۸۰۳ که فتحعلی‌شاه شخصاً به ایروان رفته بود تا خوانین و سرکردگان آنجا را به مقاومت علیه روس‌ها تشویق نماید، داود (خلیفه‌ی ارمنی اوچ کلیسا) با پادشاه ایران

1. Brune

ملاقات و وی را به نوشتن نامه به ناپلئون و متحد شدن با وی تشویق کرد. نامه‌ی فتحعلی‌شاه را دو تاجر ارمنی به طور محرمانه به فرانسه بردند و در فوریه‌ی ۱۸۰۴ جواب آن را به تهران آوردند. ناپلئون در نامه‌ی خود مجدداً به برقراری روابط دوستانه بین دو کشور اظهار علاقه کرده و پیشنهاد نموده بود که ایران و فرانسه از دو طرف به روسیه حمله کنند.

پاسخ فتحعلی‌شاه به نامه‌ی ناپلئون

فتحعلی‌شاه پاسخ ناپلئون را به وسیله‌ی مارشال برون (سفیر فرانسه در عثمانی) فرستاد و از پیشنهاد اتحاد با فرانسه استقبال کرد و متذکر شد که عقد قرارداد با ایران ممکن است راه لشکرکشی به هندوستان را برای فرانسه باز و دست انگلیسی‌ها را از مستعمره‌هایشان در آسیا کوتاه سازد. پس از دریافت پاسخ مثبت و مساعد فتحعلی‌شاه، ناپلئون دو هیأت به ایران اعزام نمود. سرپرستی هیأت اول با ژوبر^۱ (منشی مخصوص و مترجم زبان‌های شرقی امپراتور فرانسه) بود و سرپرستی هیأت دوم هم به سروان رومیو^۲ (آجودان مخصوص ناپلئون) واگذار گردید و به نامبردگان سفارش اکید شد که مأموریت خود را محرمانه نگهدارند، و به خصوص نگذارند جاسوسان انگلیسی که در خاک عثمانی فراوان بودند، از مأموریت آنها آگاه شوند. اما سرهارد فورد جونز (سرکنسول انگلیس در بغداد) توسط یک جاسوس ارمنی که در دستگاه عباس میرزا ولیعهد در تبریز وجود داشت، از موضوع مطلع شد و تمام سعی و کوشش خود را برای جلوگیری و ممانعت از انجام مأموریت این دو هیأت به کاربرد.

سروان رومیو در ۲۴ سپتامبر ۱۸۰۵ وارد تهران شد و نامه‌ی امپراتور فرانسه را به فتحعلی‌شاه تسلیم کرده و ده روز بعد در اثر بیماری درگذشت. ناپلئون در نامه‌ی خود، بعد از تعارف و تمجید از اوضاع ایران و صفات دلاوری و رشادت ایرانی‌ها، از خطرات پیشرفت روسیه و آزمندی انگلستان و زیان وسعت یافتن نفوذ و قدرت آن کشور در هندوستان گفت‌وگو و بسیار گوشزد کرده بود که ایران باید به سرعت در فکر تشکیل و تنظیم ارتش خود

1. Jaubert

2. Romieux

باشد و آن را با اسلحه و توپخانه‌ی جدید تجهیز نماید و امپراتور فرانسه حاضر است هرگونه کمک و مساعدتی که لازم است، به ایران بدهد.

ژوبر، فرستاده‌ی دوم ناپلئون، که در خاک عثمانی به اتهام جاسوسی دستگیر شد و مدت چهار ماه در زندان بود، سرانجام در اثر دخالت و اعتراض دولت ایران آزاد شد و در ۵ ژوئن ۱۸۰۶ به تهران رسید و نامه‌ی دیگر ناپلئون را به فتحعلی‌شاه تقدیم کرد. در این نامه نیز امپراتور فرانسه نوشته بود که پادشاه ایران نباید بگذارد آنچه را که آقا محمدخان به زور شمشیر به دست آورده بود و برای او باقی گذارده است به رایگان از دست برود و باید از رفتار سوادگران انگلیسی که با تاج و تخت هندوستان بازی می‌کنند، درس عبرت بگیرد و در نیرومندی ارتش و تجهیز آن با سلاح‌های آتشین همت گمارد. ناپلئون در نامه‌ی خود تأکید کرده بود که پادشاه ایران می‌تواند به وسیله‌ی حامل نامه بنویسد که به چه چیز احتیاج دارد تا روابط دوستی و تجاری که از قدیم بین دو کشور برقرار بوده مجدداً دایر و ملت‌های ایران و فرانسه مقتدرتر و متمدن‌تر شوند.

ژوبر در تهران بیمار شد و فتحعلی‌شاه از ترس آن که مبادا او هم مانند رومیو تلف شود، با عجله پیشنهادهای تهیه و به وسیله‌ی او جهت دولت فرانسه فرستاد. ژوبر در اوایل ژانویه‌ی ۱۸۰۷ به پاریس رسید و ناپلئون پس از ملاحظه‌ی پیشنهادات فتحعلی‌شاه لابلان^۱ و سروان اگوست بونتان^۲ را در فاصله‌ی ماه‌های ژانویه و مه ۱۸۰۷ به تهران فرستاد. گرم گرفتن و فعالیت دربار فرانسه و اعزام پی در پی سفیران متعدد با نامه‌های دوستانه نشان می‌داد که آن دولت چه اهمیتی برای دولت ایران قایل بوده و چه انتظاراتی داشته است. ناپلئون در نامه‌ی که به وسیله‌ی لابلان ارسال داشته بود، پیروزی‌های خود را در پروس و روسیه اعلام نمود و پادشاه ایران را به حمله به گرجستان و تسخیر خاک روسیه از جانب شرق تشویق کرده و ضمناً آمادگی خود را برای پذیرفتن سفیر فوق‌العاده‌ی ایران جهت انعقاد عهدنامه‌ی دوستی و کمک نظامی اعلام داشته بود.

1. La Blanche

2. A. Bontemps

عهدنامه‌ی فین‌کنشتاین^۱ و پی‌آمدها آن

در فوریه‌ی ۱۸۰۷، دولت روسیه که در جنگ با فرانسه شکست خورده بود، سفیر فوق‌العاده‌ی بی‌نام استیفانو به منظور انعقاد معاهده‌ی صلح به تهران فرستاد و فتحعلی‌شاه به اتکای دولت فرانسه، پیشنهاد او را بدون جواب گذاشت و با عجله هیأتی را به ریاست رضاخان قزوینی بیگلریگی با هدایای گران‌بها به ارزش تقریبی یک کروور تومان^۲ به دربار ناپلئون فرستاد. امپراتور فرانسه که در آن هنگام در اردوگاه «فین‌کنشتاین» واقع در پروس شرقی به سر می‌برد، سفیر ایران را با گرمی بسیار پذیرفت و پس از چند روز مذاکره، در چهارم مه ۱۸۰۷ عهدنامه‌ی در ۱۶ ماده از طرف میرزا رضاخان سفیر فوق‌العاده‌ی ایران و کنت دوشامپانی^۳ وزیر امور خارجه‌ی فرانسه به امضا رسید.

به موجب عهدنامه‌ی فین‌کنشتاین، امپراتور فرانسه استقلال ایران را تضمین و گرجستان را هم حقاً متعلق به ایران دانسته و تخلیه‌ی آن را مورد نظر قرارداده و متعهد شده بود توپ‌های صحرائی و تفنگ و سایر سلاح‌هایی را که پادشاه ایران لازم دارد به قیمت مناسب به او واگذار کند و تعدادی افسر توپخانه و مهندس پیاده نظام برای تعلیمات قشون ایران اعزام نماید. در مقابل، دولت ایران متعهد شده بود که بلافاصله روابط سیاسی و بازرگانی خود را با انگلیس قطع کرده و به دولت مزبور اعلان جنگ بدهد، وزیر مختاری را که به بمبئی فرستاده بود احضار نماید، هرگونه ارتباط زمینی و دریایی با انگلستان را قطع کند و در هر جنگی که انگلستان و روسیه هم عهد شوند، دولت‌های ایران و فرانسه نیز به همان ترتیب رفتار و علیه آنها به طور متحد قیام نمایند. در موقع حمله به هندوستان از طرف ناپلئون، دولت ایران راه عبور بدهد و کمک‌های لازم را برای عبور قشون فرانسه به عمل آورد و هر وقت کشتی‌های فرانسه به خلیج فارس وارد شود کلیه‌ی نیازهای آنان را برآورده و ضمناً سکنه‌ی قندهار و افغان‌ها را بر ضد انگلیسی‌ها بشورانند.

ناپلئون بلافاصله پس از انعقاد عهدنامه‌ی فین‌کنشتاین دستور تدارک اسلحه و مهمات

1. Finkenstein

۲. پانصد هزار تومان

3. Champagny

جهت ارسال به ایران را داد و ژنرال گاردان^۱ را با مقام وزیر مختاری در رأس یک هیأت دوست نفری برای تعلیم ارتش به ایران فرستاد. هیأت نظامی فرانسه در ۲۴ دسامبر ۱۸۰۷ وارد تهران شد و گاردان تمام کوشش خود را برای انجام وظیفه‌ی اصلی خویش که لشکرکشی به هندوستان بود، به کاربرد. تمام راه‌ها و نقاط سوق‌الجیشی ایران مورد مطالعه قرار گرفت و نقشه‌ی خط سیرقوا ترسیم و بنادر دریای خزر و خلیج فارس با نهایت دقت از طرف کارشناسان فرانسوی بازدید شد. جزیره‌ی خارک نیز برای مقاصد نظامی از طرف دولت ایران در اختیار فرانسوی‌ها گذارده شد. ضمناً ژنرال گاردان برای جلب حمایت فتحعلی‌شاه، با کوشش خستگی‌ناپذیری به تجدید سازمان ارتش ایران پرداخت. ارتش ایران از زمان شاه عباس اول تغییرات عمده‌یی نکرده و هنوز به صورت سواره نظام عشایری بود. فرانسوی‌ها یک کارخانه‌ی توپ‌ریزی در اصفهان و یک زرادخانه در تهران دایر کردند و یک صنف توپخانه‌ی صحرائی مجهز به بیست عراده‌ی توپ تأسیس نمودند. سروان وردیه هم که در تبریز تحت نظر عباس میرزا ولیعهد انجام وظیفه می‌کرد، در مدت کوتاهی چهار هزار سرباز به طرز اروپایی تربیت کرد.

در همان حال، فتحعلی‌شاه سرتیپ عسکرخان افشار ارومی را سفیر و به دربار امپراتور فرانسه فرستاد که در ۲۱ ژانویه‌ی ۱۸۰۸ قراردادی دربارہ‌ی تحویل بیست هزار قبضه تفنگ با دولت فرانسه امضا کرد. در ۲۳ ژانویه‌ی ۱۸۰۸ نیز یک معاهده‌ی بازرگانی در ۲۳ ماده بین میرزا شفیق خان مازندرانی صدراعظم و ژنرال گاردان به امضا رسید و روابط ایران و فرانسه وارد عالی‌ترین مرحله‌ی خود گردید. بدیهی است دولت انگلستان که دشمن دیرینه‌ی ناپلئون و فرانسوی‌ها بود با تمام قوا برای شکست مأموریت ژنرال گاردان کوشش می‌کرد.

افول روابط دو کشور

پس از انعقاد عهدنامه‌ی «تیلسیت» بین ناپلئون و تزار روسیه در ۷ ژوئیه‌ی ۱۸۰۷، تغییرات زیادی در اروپا و دنیا به وجود آمد و ایران ناگهان در سخت‌ترین موقع، به حال

1. Gardane

خودش واگذار گردید. ناپلئون در «تیلسیت» اصلاً مسأله‌ی ایران را با تزار روسیه مطرح نکرد و در واقع متحد خود را در برابر روسیه و انگلستان که مترصد انتقام‌جویی بودند، تنها گذاشت. در نتیجه، ارتش تزار که به علت انعقاد صلح با فرانسه از جبهه‌ی اروپا آزاد شده بود، به جبهه‌ی قفقاز اعزام گردید تا جنگ را با شدت هرچه تمام‌تر علیه ایران و عثمانی ادامه دهد.

دولت عثمانی که در نتیجه‌ی تشویق و تحریک فرانسوی‌ها در دسامبر ۱۸۰۶ به دولت‌های روسیه و انگلستان اعلان جنگ داده بود، پس از امضای عهدنامه‌ی صلح تیلسیت در وضع نسبتاً مشابهی قرار داشت در صدد برآمد با ایرانی‌ها همکاری نماید و نیروهای دو دولت، مشترکاً به روس‌ها حمله ببرند. به این جهت عباس میرزا فرماندهی ارتش ایران و یوسف پاشا سرعسکر عثمانی هر یک در رأس یک سپاه بیست هزار نفری به دشت «آرپاچای» نزدیک شدند تا عثمانی‌ها از شرق و ایرانی‌ها از غرب به گرجستان حمله کنند. اما ژنرال گودویچ پیش‌دستی کرد و شکست سختی به سپاه عثمانی وارد کرد، به طوری که وقتی سپاه عباس میرزا به کمک عثمانی‌ها رسید، دیگر دیر شده بود و مجبور شد به سمت ایروان عقب‌نشینی کند. پس از این شکست، عثمانی‌ها ناچار به امضای پیمان متارکه‌ی جنگ در ششم سپتامبر ۱۸۰۷ شدند ولی جنگ با ایران بدون وقفه ادامه پیدا کرد.

چون ژنرال گاردان و افسران فرانسوی کوشش و حرارت زیادی جهت تجدید سازمان و تسلیح ارتش ایران با سلاح‌های جدید نشان می‌دادند ژنرال گودویچ در ۲۱ مه ۱۸۰۸ نماینده‌یی به نزد ژنرال گاردان فرستاد و به وی پیغام داد که به عنوان سفیر کشوری که با امپراتوری روسیه متحد شده است، در سیاست دولت ایران که بر ضد مصالح روسیه می‌باشد دخالت نکند. ژنرال گاردان سعی کرد میان دولت روسیه که متحد دولت متبوعش بود و دولت ایران که به واسطه‌ی مدتی اقامت نسبت به سرنوشت آن علاقه‌مند شده بود، وساطت نماید. بنا به اصرار او، فتحعلی‌شاه به سرتیپ عسکرخان سفیر خود در پاریس دستور داد رسماً میانجیگری دولت فرانسه را در مذاکرات صلح با روسیه تقاضا کند. اما مدتی طول کشید و جوابی از پاریس نرسید. انگلیسی‌ها که تشخیص داده بودند با تغییر سیاست ناپلئون نسبت به ایران، موقعیت بسیار مناسبی نصیب آنها شده است با عجله‌ی بسیار در آن واحد دو هیأت

نمایندگی یکی از طرف دولت انگلستان به ریاست سرجان ملکم که (یک بار در سال ۱۸۰۰ به ایران آمده بود) و دیگری از طرف دولت انگلستان به ریاست سرهارد فورد جونز بریجز (سرکنسول انگلیس در بغداد) روانه‌ی تهران نمودند. ژنرال گاردان تهدید کرد اگر پای یک نفر انگلیسی به تهران برسد روابط سیاسی بین ایران و فرانسه قطع خواهد شد.

قطع روابط دو کشور (۱۸۰۹ میلادی)

در اوایل اکتبر ۱۸۰۸ دولت روسیه پیشنهاد میانجیگری فرانسه را برای صلح با ایران رد کرد و نیروهای ژنرال گودویچ برخلاف اطمینان‌های گاردان مبنی بر این که روس‌ها تا انجام مذاکرات صلح مبادرت به حمله نخواهند کرد، به ایروان هجوم بردند و کرانه‌های دریای خزر را گلوله‌باران کردند ولی مجموعاً نتوانستند کار عمده‌یی از پیش ببرند. این بار افسران فرانسوی که در خدمت ارتش ایران بودند از شرکت در عملیات نظامی علیه روس‌ها خودداری کردند و دولت ایران در موقعیت نامناسبی قرار گرفت. میرزا شفیق خان صدراعظم در نامه‌ی مورخ ۱۶ اکتبر ۱۸۰۸ به کنت دوشامپانی وزیر امور خارجه‌ی فرانسه، درباره‌ی مذاکرات صلح و میانجیگری دولت فرانسه رسماً سؤال کرد و مواد معاهده‌ی فین‌کنشتاین را که استقلال و تمامیت ارضی ایران را تضمین کرده بود یادآور شد. کنت دوشامپانی در نوامبر ۱۸۰۸ جوابی به ژنرال گاردان فرستاد و طی آن صریحاً میانجیگری دولت فرانسه را رد کرد و پیشنهاد نمود مذاکرات صلح مستقیماً دست دوستی و اتحاد انگلستان را که به طرفش دراز شده بود بفشارد. لذا ژنرال گاردان در ۱۲ فوریه‌ی ۱۸۰۹ اجازه‌ی مرخصی گرفت و با خاطری افسرده تهران را ترک نمود و پس از مدتی معطلی در تبریز از ایران خارج شد. ناپلئون هم در همان موقع به سرتیپ عسکرخان افشار سفیر ایران اجازه‌ی مراجعت داد و روابط ایران و فرانسه به این ترتیب قطع گردید.

در راه تجدید روابط

بعد از آن که سفارت ژنرال گاردان به نتیجه‌یی نرسید و هیأت فرانسوی مجبور شد

ایران را ترک کند، تا نزدیک به سی سال بعد، رابطه‌ی مستقیمی بین ایران و فرانسه وجود نداشت. به این معنی که گاه‌گاهی به مناسبت‌هایی سفرایی که قصد دیگری داشتند، با هدایایی، واسطه‌ی ابلاغ تعارف‌ها و مبادله‌ی اطلاعاتی میان دولت‌ها می‌شدند. از جمله اعزام ویکنت دوریشمون به ایران برای اعلام جلوس شارل دهم به تخت سلطنت و سفر میرزا حسن خان نظام‌الدوله آجودان‌باشی به دربار پادشاه فرانسه در ۱۸۳۹ را می‌توان یاد کرد.

آجودان‌باشی در این سفر پیشنهادهایی به دولت فرانسه کرد و دولت فرانسه حاضر شد هیأتی را برای تجدید روابط سیاسی و عقد قرارداد تجاری به ریاست وزیر مختار، به ایران روانه کند.

ریاست این هیأت با کنت دوسرسی^۱ بود که در سال ۱۸۴۰ به ایران اعزام شد. ولی مأموریت او به نتیجه‌ی نرسید و بعد از سه ماه اقامت در ایران به فرانسه بازگشت. پس از بازگشت کنت دوسرسی، دولت فرانسه در سال ۱۸۴۴ کنت دوسارتیژ^۲ را به سفارت به دربار محمدشاه فرستاد. سفیر مزبور در بدو ورود به تهران موفق شد فرمانی از شاه بگیرد که به موجب آن آزادی تجارت و استفاده از شرط دولت کامله‌الوداد به اتباع فرانسه اعطا شده بود. در ضمن حاج میرزا آقاسی صدراعظم در ۱۸۴۷ طرح قراردادی را با وزیر مختار فرانسه ریخت که هرگز رسمیت پیدا نکرد و از طرف دولت‌ها تصویب نشد.

در ابتدای صدارت امیرکبیر، کنت دوسارتیژ کوشش نمود که آن طرح فراموش شده را تصویب شده قلمداد کند ولی امیرکبیر زیربار نرفت. زیرا قرارداد مذکور از صورت طرح خارج شده بود و امتیازات اغلب یک طرفه بود. پیشنهاد میرزا محمدخان شیرازی (نایب وزارت دولت‌های خارجه) که برای گرفتن امتیازات متقابل قبلاً اعزام شده بود، به جایی نرسیده بود. کنت دوسارتیژ در پافشاری خود خشونت به خرج داد و امیرکبیر به شدت ایستادگی کرد. در نتیجه، وزیرمختار فرانسه در ۱۸۴۹ تهران را ترک گفت و کار عقد معاهده‌ی تجاری میان ایران و فرانسه و تجدید روابط سیاسی تا سال ۱۸۵۵ متوقف ماند.

1. C.D. Cercey

2. C.D. Sartiges

روابط رسمی سیاسی تا جنگ جهانی اول

دولت فرانسه که پس از جلوس ناپلئون سوم بر تخت امپراتوری مجدداً نسبت به ایران علاقه‌مند شده بود در ژوئیه ۱۸۵۵ هیأتی به ریاست پروسپه بوره^۱ به تهران اعزام داشت و وی روابط بسیار صمیمانه‌یی با دربار ایران ایجاد کرد.

بوره که در معیت کنت دوگوبینو^۲ به ایران آمده بود، یک عهدنامه‌ی تجار با میرزا آقاخان نوری منعقد نمود. پس از عزیمت بوره در اکتبر ۱۸۵۶، کنت دوگوبینو کاردار شد و تا سال ۱۸۵۸ در این سمت باقی ماند و سپس یک‌بار دیگر در اکتبر ۱۸۶۱ به عنوان وزیر مختار به ایران اعزام گردید. ناپلئون سوم همواره نسبت به ایران اظهار دوستی و صمیمیت می‌کرد.

متقابلاً ناصرالدین شاه نیز در سال ۱۸۵۷ فرخ‌خان امین‌الملک غفاری یکی از رجال دربار خود را به فرانسه فرستاد. فرخ‌خان امین‌الملک در ۲۵ ژانویه ۱۸۵۷ با تشریفات با شکوهی به حضور امپراتور فرانسه رسید. هدف از اعزام وی به دربار ناپلئون سوم این بود که ناپلئون در عقد قرارداد صلح بین ایران و انگلیس در مسأله‌ی هرات میانجیگری کند. ناپلئون سوم حاضر به میانجیگری شد و بر اثر دخالت او بود که عهدنامه‌ی صلح ایران و انگلیس در چهارم مارس ۱۸۵۷ بین فرخ‌خان امین‌الملک و سفیر کبیر انگلیس در پاریس منعقد گردید.

فرخ‌خان امین‌الملک طی اقامت خود در فرانسه، سفارت ایران در پاریس را تأسیس کرد. پس از جنگ ۱۸۷۰ و سقوط ناپلئون سوم و اعلام جمهوری در فرانسه، روابط میان دو کشور همچنان به حالت دوستانه ادامه یافت و ناصرالدین شاه که به زبان فرانسه آشنا بود در هر سه سفر خود به اروپا، از فرانسه بازدید کرد. در سفر اول وی در ۱۸۷۳، از طرف شهرداری پاریس خیابانی به نام تهران نامگذاری شد. در سفر سوم، ناصرالدین شاه از طرف کارنو رییس جمهوری آن کشور مورد پذیرایی قرار گرفت و در ضمن از نمایشگاه جهانی پاریس که به مناسبت یکصدمین سال انقلاب کبیر فرانسه برپا شده بود، بازدید کرد. مظفرالدین شاه نیز دوبار به فرانسه مسافرت نمود.

1. Prospev Bourre

2. Conte de Gobineau

روابط فرهنگی

آنچه دو کشور را بیشتر به هم نزدیک می‌کرد روابط فرهنگی بود. معلم‌های فرانسوی در مدرسه‌ی دارالفنون ایران و شاگردان ایرانی در مدارس فرانسه به تعلیم و تعلم مشغول بودند. هفت سال پس از تأسیس دارالفنون، دولت چهل و دوتن از بهترین فارغ‌التحصیل‌ها را برای آموختن فنون مختلف به فرانسه اعزام داشت که در ۱۲۳۷ ش. وارد پاریس شدند و پس از خاتمه‌ی تحصیلات به ایران بازگشتند و بیشتر نهضت به دست آنها صورت گرفت. چون در آن زمان زبان فرانسه زبان دیپلماسی بین‌المللی به شمار می‌رفت، در دربار ایران نیز بسیار متداول و معمول گشت. در سال ۱۹۰۰ میلادی مدارس پسرانه‌ی سن‌لویی و دخترانه‌ی ژاندارک در تهران تأسیس شد.

از زمان فتحعلی‌شاه و آمدن ژنرال گاردان و همراهانش به ایران، مقدمه‌ی ارتباط فرهنگی بین فرانسه و ایران شروع شد و توجه دانش‌پژوهان ایران به آثار نویسندگان فرانسوی به خصوص نمایش‌نامه‌های آنها جلب گردید.

از جمله امتیازاتی که فرانسوی‌ها در ایران به دست آوردند، امتیاز حفاری علمی در ایران در سال ۱۹۰۰ میلادی بود. برطبق امتیاز مزبور، علما و باستان‌شناسان موزه‌ی «لوور» نخست در همدان و سپس در شوش و دزفول به حفاری و اکتشاف مشغول شدند.

دیولافوا باستان‌شناس معروف فرانسوی و بعد از او دومورگان، در همان ناحیه به اکتشاف عظیمی نایل گردیدند که از آن جمله کشف لوحه‌ی قوانین حمورابی پادشاه بابل است که در سال ۱۹۰۱ میلادی در شوش تخت‌گاه ایلام به دست آمد. این امتیاز به قوت خود باقی بود تا آن که در مهرماه ۱۳۰۶ ملغی گردید ولی از طرف وزارت فرهنگ اجازه‌ی حفاری علمی در شوش با شرایط دیگری به فرانسوی‌ها داده شد.

رضا شاه برای گسترش روابط سیاسی و فرهنگی با فرانسه اهمیت زیادی قایل بود، حتی در زمانی که پست وزارت جنگ را در کابینه‌ی مستوفی‌الممالک به عهده داشت، تعداد ۶۰ نفر کارشناس نظامی فرانسه را برای آموزش ارتش استخدام کرد. در سال ۱۳۰۶ شمسی که کاپیتولاسیون رسماً لغو گردید، دولت فرانسه اولین دولت اروپایی بود که اقدام ایران را تایید

کرد. در سال ۱۳۰۷ شمسی که قانون اعزام محصل به اروپا به مرحله‌ی اجرا درآمد، تعداد زیادی از این محصلان به فرانسه اعزام شدند. هم چنین در سال ۱۳۰۶ جمعی از کارمندان اداره‌ی پست و تلگراف برای فراگرفتن فن مخابراتی تلگراف بی‌سیم به پاریس اعزام شدند. در ضمن در این دوره، تعدادی از استادان فرانسوی در مدارس عالی‌یه‌ی کشور (دارالمعلمین، مدرسه‌ی حقوق و علوم سیاسی و مدرسه‌ی طب) به تدریس گماشته شدند که از آن جمله می‌توان از دکتر ژان فونتانا، دکتر لافن، پروفیسور لوباور، پروفیسور پیرمارسل و پروفیسور دیرالی نام برد.

اولین قرارداد فرهنگی رسمی بین ایران و یک کشور خارجی، با فرانسه در سال ۱۳۰۸ بین وزیر مختار ایران در پاریس و وزیر فرهنگ دولت جمهوری فرانسه درباره‌ی برابری ارزش مدارک تحصیلی منعقد شد.

در هنگام تأسیس وزارت دادگستری، بسیاری از قوانین فرانسه مورد بررسی و اقتباس قرار گرفت: از جمله قسمت‌هایی از قانون مدنی، آیین دادرسی مدنی و به خصوص قانون تجارت (مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۳) تحت تأثیر قوانین فرانسه تدوین گردید.

مهم‌ترین رویداد در روابط ایران و فرانسه در دوره‌ی سلطنت رضاشاه، قطع روابط دو کشور در سال ۱۳۱۵ و تجدید روابط در خرداد ۱۳۱۸ بود. در ژانویه‌ی ۱۹۳۷ (دی ماه ۱۳۱۵) یک روزنامه‌ی فرانسوی (چاپ پاریس) به نام «اکسل سیور»^۱ مقاله‌ی انتشار داد. نویسنده‌ی مقاله می‌خواست سیاست رضاشاه را در مورد «تصاحب املاک مردم» مورد انتقاد قرار دهد. رضاشاه که تاب تحمل هیچ نوع انتقادی را نداشت، به وزیر مختار ایران در پاریس (ابوالقاسم فروهر) در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۱۵ دستور بازگشت به تهران را داد و روابط دو کشور قطع گردید.^۲

1. Excelsior

۲. علامه‌ی قزوینی در نامه‌ی ۸ ژانویه‌ی ۱۹۳۹ خود به سیدحسن تقی‌زاده می‌نویسد: «لابد مسبوق هستند که ایران از ۲۸ دسامبر گذشته قطع روابط سیاسی با فرانسه کرده است و تمام اجزای سفارت با خود وزیر مختار و تمام محصلین خیلی سریع به طرف ایران حرکت خواهند کرد... علت این قطع روابط را لابد در جراید خواننده‌اید که یکی از همان قبیل امور جزئی است که موجب انفصال خود سرکار عالی از وزارت مختاری پاریس گردید و در مورد به خصوص ما عبارت است از شوخی قلمی سه جریده از جراید فرانسه، یکی اکسل سیور و دیگری «پتی پاریزین» و سومی روزنامه‌ی است هفتگی و فکاهی موسوم به «استخوان مغزدار»»

قطع روابط دو کشور یک سال و نیم به طول انجامید، تا این که سرانجام در اردیبهشت ۱۳۱۸، آلبر لوبرن رییس جمهور فرانسه هیأت فوق‌العاده‌یی را به ریاست ژنرال ماکسیم وگان فرماندهی کل نیروهای فرانسه در سوریه و لبنان را به تهران فرستاد تا ضمن شرکت در جشن‌های عروسی ولیمهد (محمدرضا پهلوی و فوزیه)، از رضاشاه عذرخواهی و رفع کدورت کند. رضاشاه این عذرخواهی را پذیرفت و در خرداد ۱۳۱۸، انوشیروان سپهبدی را به سمت وزیر مختار به پاریس فرستاد و روابط دو کشور عادی شد.

از جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی

مناسبات سیاسی ایران و فرانسه تا اوایل جنگ دوم جهانی هم‌چنان حسنه بود. پس از پایان نبرد فرانسه و انتقال دولت جدید به «ویشی» سفارت ایران نیز از مهرماه ۱۳۱۹ (اکتبر ۱۹۴۰) به ویشی منتقل شد. پس از انعقاد قرارداد سه جانبه‌ی ایران، انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی و پیوستن ایران به صف متفقین، دولت ایران در ۳۰ مارس ۱۹۴۲ (۱۰ فروردین ۱۳۲۱) روابط سیاسی با حکومت ویشی را قطع کرد. ولی در ژوئن ۱۹۴۴ (خرداد ۱۳۲۳) که حکومت موقت جمهوری فرانسه به ریاست ژنرال دوگل^۱ در الجزایر تشکیل شد، دولت ایران یکی از اولین دولت‌هایی بود که حکومت موقت را به رسمیت شناخت و در مرداد همان سال وزیر مختار و نماینده‌ی فوق‌العاده‌یی به الجزایر اعزام شد. پس از ورود دوگل به پاریس (اوت ۱۹۴۴)، سفارت ایران نیز به پاریس منتقل گردید.

→ که هر سه در مورد موضوع کلمه‌ی «شاه» و «گربه» به مناسبت اکسپوزیسیون گربه‌ها در ۳ دسامبر گذشته، قدری از این شوخی‌های خنک معمولی که به واسطه‌ی تشابه لفظی کلمات «شاه» با «شا» به معنی گربه در زبان فرانسه موجود است و از قدیم الایام تاکنون هر وقت به هر دلیل و مناسبتی که در جراید ذکری از گربه یا شاه ایران می‌شود بلااستثنا از این شوخی بی‌نمک خودداری نمی‌کنند که در حقیقت به کلی شوخی بچه‌گانه‌ی صرف است و ابداً خیال اذیت یا بدگویی با توهین و تعریض و گوشه و کنایه به ایران مطلقاً و اصلاً در ذهن احدی از این شوخی‌کنندگان خطور نمی‌کند و در واقع یک دولت عظیم الشان متمدن اروپایی مآب، یعنی دولت ایران از این شوخی بچه‌گانه متأثر شده و به درجه‌یی هم متأثر شده که قطع روابط سیاسی کرده است... باری فوق آنچه تصور شود جای تعجب است. «نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده، انتشارات جاویدان، تهران ۱۳۵۳، صفحات ۲۹۳-۲۹۲».

1. De Gaulle

در دوره‌ی سلطنت محمدرضا شاه، تحولات زیر در روابط ایران و فرانسه صورت گرفت:

۱. دوگل در دسامبر ۱۹۴۴ و هنگام سفر به شوروی، در تهران برای نخستین بار با شاه دیدار کرد و این دیدار زمینه‌ی یک دوستی طولانی بین آن دو را فراهم ساخت.
۲. در ۲۴ شهریور ۱۳۲۴، سفارت ایران در پاریس به درجه‌ی سفارت کبیر ارتقا یافت.
۳. سفرهای شاه به فرانسه در شهریور ۱۳۲۷ و شهریور ۱۳۴۰.
۴. سفر ژنرال دوگل به ایران در اکتبر سال ۱۹۶۳ (از ۲۴ تا ۲۸ مهر ۱۳۴۲). هدف دوگل از این مسافرت تقویت نفوذ فرانسه در خاورمیانه، با توجه به موضع مستقل او در برابر آمریکا بود.
۵. سفر شاه به فرانسه در سال ۱۳۴۸ شمسی و ملاقات با ژرژپمپیدو و رییس جمهور فرانسه.^۱
۶. شرکت نخست وزیر فرانسه (ژاک شابان دلماس)^۲ در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله (مهر ۱۳۵۰).
۷. سفر شاه به فرانسه در تیرماه ۱۳۵۳ و دیدار باوالری ژیسکاردستن^۳ رییس جمهور فرانسه.

روابط اقتصادی ایران و فرانسه

روابط اقتصادی ایران و فرانسه تا سال ۱۳۵۳، در مقایسه با سایر قدرت‌های بزرگ، در سطح نازلی قرار داشت و مبادلات بازرگانی دو کشور در سال ۱۳۵۲ جمعاً ۱۳/۸۷۳/۱۷۰/۱۵۲ ریال بود.^۴ در ۱۹ بهمن ۱۳۵۲ (۸ فوریه ۱۹۷۴) قرارداد مهمی بین دو کشور به امضا رسید که نکات مهم آن به شرح زیر است:

1. Georges Pompidou

2. Jacques Chaban-Delmas

3. Valery Giscard d'Estaing

۴. نظری به فرانسه‌ی امروز و روابط دیرین ایران و فرانسه: اداره‌ی سوم سیاسی وزارت امور خارجه‌ی ایران. آذر ۱۳۵۳. صفحات ۶۶ تا ۷۳.

۱. تشکیل کمیته‌ی سرمایه‌گذاری به منظور حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری بین دو کشور و حداکثر استفاده از امکانات موجود در ایران و فرانسه.
 ۲. احداث نیروگاه‌های اتمی در ایران با ظرفیتی روی هم‌رفته تا ۵ هزار مگاوات.
 ۳. تشریک مساعی در زمینه‌ی اکتشافات و بهره‌برداری از منابع نفتی در کشورهای ثالث و آمادگی طرف فرانسوی برای شرکت در یک کنسرسیوم اروپایی به منظور ایجاد یک خط لوله برای گازرسانی به اروپا و ساختن گاز مایع در ایران جهت حمل آن به فرانسه.
 ۴. ایجاد یک واحد مشترک در ایران جهت تولید ۲۵۰ هزار تن فولاد مخصوص در سال.
 ۵. اعلام آمادگی فرانسه برای همکاری در زمینه‌ی اجرای طرح مشترکی جهت تولید حدود یک میلیون تن فرآورده‌های مختلف پتروشیمی و صدور تمام یا قسمتی از فرآورده‌های آن به خارج و طرح مشترک دیگری برای ایجاد یک سرویس ایرانی حمل و نقل دریایی گاز و فرآورده‌های پتروشیمی.
 ۶. بررسی امکانات تأسیس واحدهای مشترک در ایران برای ساخت ماشین‌آلات راهداری.
 ۷. مخلوط کن اسفالت، دستگاه‌های پرس، جرثقیل، واحدهای نساجی و لباس دوزی، ایجاد کارگاه‌های آهن‌گری و ریخته‌گری و انواع کلیدهای قطع و وصل.
 ۸. اعلام آمادگی فرانسه برای احداث ۸۰ هزار واحد مسکونی در ایران تا آخر برنامه‌ی پنجم از قرار سالی ۲۰ هزار واحد.
 ۹. طرفین موافقت نمودند که سازمان‌های مربوطه‌ی دو کشور را در اجرای طرح‌های مشترک زیر در ایران تشویق نمایند:
 - ۱) ایجاد یک کارخانه‌ی قند از نیشکر در مساحتی به وسعت ۳۰ هزار هکتار.
 - ۲) طرح ایجاد مجتمع گوشت و لبنیات در مساحتی به وسعت ۸ هزار هکتار.
 - ۳) طرح تولید انگور و تهیه‌ی نوشابه‌های الکلی.
 - ۴) طرح توسعه‌ی صنعت نوغان.
- دولت فرانسه هم چنین آمادگی خود را برای پشتیبانی از نظراتی که ایران هنگام عقد

موافقت‌نامه‌ی بازرگانی جدید با بازار مشترک ابراز می‌دارد، اعلام داشت.

در پایان سفر رسمی شاه به فرانسه (در تیرماه ۱۳۵۳) اعلامیه‌ی مشترکی منتشر شد که حکایت از توسعه‌ی وسیع همکاری‌های اقتصادی دو کشور در آینده داشت. این فعالیت‌ها عبارت بودند از:

۱. گسترش فعالیت‌های فرانسه در جهت سرمایه‌گذاری، همکاری صنعتی و تولید انرژی در ایران.

۲. موافقت اصولی با تأسیس یک واحد صنعتی تولید گاز مایع و تحویل گاز صادراتی ایران به اروپا.

۳. همکاری در زمینه‌ی انرژی هسته‌یی (تأسیس یک مرکز تحقیقات هسته‌یی در ایران، آموزش کادر متخصصین، تحویل واحدهای برق اتمی با ظرفیت ۵۰۰۰ مگاوات و...). در اجرای این منظور، قراردادی در ۶ تیر ۱۳۵۳ بین وزیران دارایی ایران و فرانسه امضا شد که طبق آن، دولت ایران مبلغ یک میلیارد دلار را به عنوان پیش پرداخت جهت تحویل تجهیزات مزبور در بانک‌های فرانسه واریز کند.

در آذر ۱۳۵۳ (دسامبر ۱۹۷۴) که ژاک شیراک^۱ نخست وزیر فرانسه به ایران سفر کرد، قراردادهای متعددی به ارزش ۳۵ میلیارد فرانک، به منظور احداث یک کارخانه‌ی فولادسازی ویژه، یک کارخانه‌ی مونتاژ اتومبیل‌های رنو، یک کارخانه‌ی کود شیمیایی، احداث متروی تهران، مشارکت فرانسه در نوسازی و برقی کردن راه‌آهن ایران، امضا گردید. در ضمن، ایران سفارش چند فروند هواپیمای مسافربری «کنکور»^۲ را به فرانسه داد. حجم این قراردادها به قدری زیاد بود که شیراک آن را «قرارداد قرن» نامید.

در اکتبر ۱۹۷۶ (مهر ۱۳۵۵) ژیسکاردستن به ایران سفر کرد و یک قرارداد به ارزش ۳ میلیارد فرانک را برای چند طرح صنعتی دیگر امضا کرد.

در ضمن، لازم به یادآوری است که سهم شرکت نفت فرانسه در کنسرسیوم نفت ایران

1. Jacques Chirac

2. Concorde

بالغ بر ۶ درصد بود.

فرانسه و انقلاب ایران

در جریان انقلاب اسلامی ایران، دولت فرانسه نقش زیرکانه‌ی بازی کرد و در واقع با شرایط روز پیش رفت. در مهرماه ۱۳۵۷ که امام خمینی (ره) تصمیم گرفتند از عراق به پاریس بروند، فرانسه نظر دولت ایران را در این مورد پرسید و چون با مخالفتی مواجه نشد، امام وارد فرانسه شدند و در محله‌ی «نوفل لوشاتو»^۱ (در نزدیکی پاریس) اقامت کردند. در طول چندماه بعد که اقامتگاه امام به صورت یک مرکز مهم خبری و سیاسی درآمد، دولت فرانسه که سقوط رژیم شاه را پیش‌بینی می‌کرد، مانع از فعالیت‌های مخالفین رژیم شاه در فرانسه نشد.

ژیسکاردستن پس از شرکت در کنفرانس «گوادلوپ»^۲ در ۱۵ دی ۱۳۵۷ (برابر با ۵ ژانویه ۱۹۷۹) اعلام کرد که امیدی به بقای رژیم شاه نیست و شاه باید تسلیم نظرات رهبران انقلاب شود.

روابط ایران و فرانسه پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مناسبات سیاسی بین دو کشور در سطح سفارت برقرار بود و ایران اولین سفیر خود، شمس‌الدین امیرعلایی را به فرانسه اعزام داشت. وی در خرداد ماه ۱۳۵۸ توسط والرئ ژیسکاردستن رئیس‌جمهور وقت فرانسه در کاخ الیزه به حضور پذیرفته شد و استوارنامه‌ی خود را تسلیم کرد. ژیسکاردستن طی سخنانی در این دیدار گفت: «فرانسه مانند ایران عقیده دارد که این حق هر ملتی است که شخصاً و بدون کوچک‌ترین دخالتی از جانب یک دولت خارجی، آینده‌ی خود را مشخص و راه رسیدن به آینده‌ی خود را دنبال نماید.» وی در پایان نطق خود یادآور شد که فرانسه کشوری است که درهایش برای همکاری بین‌المللی و برای ترقی و صلح بیشتر باز است. درچارچوب چنین سیاستی است که

1. Neuf-le-Chateau

2. Guadeloupe

فرانسه خواستار گسترش روابط با ایران است. روابطی که به نفع هر دو کشور باشد و از سنت‌ها و علاقه‌های تاریخی دو ملت الهام بگیرد.»

در این دوره فرانسه هنوز از مواضع قطعی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی سیاست خارجی آگاه نبود و باتوجه به حضور دولت موقت، احتمال اتخاذ مواضع انقلابی تند را از طرف ایران نمی‌داد. البته از همان ابتدا نخستین نشانه‌های اختلاف بینش نسبت به نظام بین‌المللی میان دولتمردان دو کشور آشکار شد. سفیر جدید ایران حامل پیام حضرت امام (ره) به رییس جمهور فرانسه بود. طی این پیام، خطاب به رییس جمهور فرانسه اظهار داشتند: «من خیلی از دوستان فرانسوی خود متشکرم که به من فرصت دادند صدای حق و حقیقت را از پاریس به ملت ایران برسانم و این انقلاب را رهبری کنم ولی من از دوستان فرانسوی خودم هیچ انتظار نداشتم که برای من مستی جانی، مستی دزد، مستی شکنجه‌گر، مستی آشوبگر و مستی ضدبشر، حقوق بشر را به رخ ما بکشند و به میان آورند. زیرا اینها آدم کش بودند و بشر را می‌کشتند.»

حمایت دولت فرانسه از عوامل «ضدانقلاب» در خاک این کشور، موجب شد که روابط دو کشور در تیر ۱۳۵۹ به سطح کاردار تنزل یابد.

از سوی دیگر تصمیم شورای انقلاب به ملی کردن بخش عمده‌ی از صنایع که بعضاً با سرمایه‌ی خارجی برپا شده بود، مخالفت و واکنش محافل اقتصادی فرانسه را برانگیخت. ایران یک‌جانبه بسیاری از قراردادها در زمینه‌ی تجهیزات اتمی، صنایع سنگین، اتومبیل‌های سواری و مبادلات کشاورزی با فرانسه را لغو کرد و پاره‌ی از شرکت‌های فرانسوی که از این اقدام ضرر کرده بودند به دادگاه‌های فرانسه شکایت کردند.

تغییر مواضع فرانسه

مواضع دولت فرانسه، پس از آگاهی از سیاست خارجی جدید جمهوری اسلامی که مبتنی بر پاره‌ی اصول انقلابی مانند نفی کامل و بدون قید و شرط سلطه‌ی آمریکا و هم‌پیمانانش بر کشور، تکیه بر شعار نه شرقی - نه غربی، پشتیبانی از حرکت‌های اسلامی و

آزادی‌بخش ملت‌ها و دوستی با دولت‌های مستضعف آفریقایی و آسیایی بود، دستخوش تغییراتی شد.

علت‌ها و زمینه‌های اصلی تیرگی روابط

با یک نگرش کلی، علت‌ها و ریشه‌های تیرگی روابط دو کشور را در دوره‌ی سوسیالیست‌ها در سه زمینه‌ی زیر می‌توان جست‌وجو کرد:

الف- تجمع ضد انقلابیون و فراری‌ها در فرانسه؛ ب- کمک‌های نظامی فرانسه به عراق؛ ج- قضیه‌ی وام یک میلیارد دلاری ایران به فرانسه.

الف: تجمع ضدانقلابیون

بنی‌صدر پس از برکنار شدن از مقام ریاست جمهوری در ۸ تیرماه ۱۳۶۰ (برابر ۱۳ ژوئن ۱۹۸۱ میلادی) در تهران ناپدید گردید و پس از ۴۶ روز در ۲۴ مرداد ۱۳۶۰، هواپیمای حامل وی در فرودگاه بورژوی پاریس فرود آمد و دولت فرانسه به وی پناهندگی سیاسی داد. پس از رسیدن خبر مزبور به تهران، دولت ایران بدون درنگ اعلام داشت که دلایل قطعی مبنی بر مجرم بودن او را در اختیار دارد و با استناد به قرارداد استرداد مجرمین خواستار تحویل وی شد. در ضمن از سفیر فرانسه خواست در ظرف سه روز خاک ایران را ترک کند.

در ۷ ژوئیه‌ی ۱۹۸۳ یک فروند هواپیمای بویینگ ۷۴۷ شرکت هواپیمایی ملی ایران (هما) رپوده شد و در فرودگاه پاریس به زمین نشست. به دنبال این عمل تروریستی، وزارت امور خارجه‌ی ایران در روز ۱۹ تیرماه ۱۳۶۲ انستیتوی فرهنگی فرانسه در تهران و کنسولگری آن کشور در اصفهان را تعطیل کرد و در بیانیه‌ی خود از دولت فرانسه با نام دولت سوسیال صهیونیسم نام برد. در این بیانیه آمده بود: «دولت سوسیال صهیونیسم فرانسه که دشمنی خود را بارها با امت مسلمان ایران به اثبات رسانده است، این بار با همکاری جدیدی که با تروریسم بین‌المللی از طریق ایجاد تسهیلات و امکانات برای رایندگان هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران انجام داد، سیاست خصمانه و مردم فریب خود را به اوج رساند. رژیم

فرانسه در روند صعودی دشمنی خود با مردم شهیدپرور ایران از هیچ اقدامی فروگذار نکرده و نقش خود را در تمامی اعمال جنایت‌آمیز و ضد انسانی جبهه‌ی مشترک ضد انقلاب داخلی و خارجی ایفا نموده است.^۱

ب: حمایت تسلیحاتی و اقتصادی فرانسه از رژیم عراق در طول جنگ تحمیلی: آغاز روابط گسترده‌ی عراق و فرانسه به سال ۱۹۷۶ میلادی بازمی‌گردد. در آن سال، صدام حسین ضمن بازدید از فرانسه موفق شد قراردادهای متعددی از جمله در زمینه‌ی برپایی راکتور اتمی در عراق و تجهیز عراق به فن‌آوری و کارشناس‌های اتمی و هم‌چنین نظارت فرانسه بر ایجاد متروی بغداد و غیره به امضا برساند.

از سوی دیگر، هنگامی که عراق در سال ۱۹۷۲ نفت خود را ملی اعلام کرد، گذشته از مستثنا ساختن سهمیه‌ی فرانسه از این امر، فروش نفت به آن کشور را دو برابر ساخت. «ژاک شیراک» نخست وزیر وقت فرانسه در دوره‌ی ریاست جمهوری «ژرژ پمپیدو» از صدام به عنوان مردی یاد کرد که روابط عراق و فرانسه را بنیان نهاده است.

نزدیکی عراق به فرانسه را به این نحو می‌توان تحلیل کرد که فرانسه با ارایه‌ی چهره‌ی مستقل از سیاست خارجی خود دو زمینه‌ی مسایل بلوک غرب، می‌توانست به خوبی نقش واسطه را در نزدیک شدن عراق به غرب ایفا کند. از سوی دیگر، دولت عراق تمایل داشت ضمن حفظ روابط با شوروی (سابق)، از فن‌آوری و مزایای غرب نیز بی‌بهره نماند. واردات تجهیزات نظامی عراق از شوروی از ۹۵ درصد در سال ۱۹۷۲ به ۶۳ درصد در سال ۱۹۷۹ کاهش یافت و این در حالی بود که طی سال‌های ۷۹-۱۹۷۸ واردات تجهیزات نظامی عراق از فرانسه بالغ بر ۲/۲ میلیارد دلار بود و در سال‌های بعد نیز افزایش چشم‌گیری پیدا کرد.

تهاجم گسترده‌ی ارتش عراق به ایران و آغاز جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، زمینه‌ی همکاری عراق و فرانسه را در زمینه‌ی تسلیحات افزایش داد. دقیقاً سه روز پس از آغاز تجاوز عراق به خاک ایران، طارق عزیز، معاون نخست وزیر وقت عراق از فرانسه دیدار کرد. وی تعهد کشورش در خصوص صدور نفت به فرانسه را مورد تأکید قرار داد و به ژیسکار دستن قول داد

۱. روزنامه‌ی اطلاعات (۱۳۶۲/۴/۱۹)

که عراق از آزادی کشتیرانی در تنگه‌ی هرمز جلوگیری نخواهد کرد.

با به قدرت رسیدن سوسیالیست‌ها در فرانسه، زمینه‌ی همکاری رژیم عراق که تمایلات سوسیالیستی داشت با فرانسه افزایش یافت. دولت جدید سوسیالیست فرانسه حمله‌ی اسرائیل را به راکتورهای اتمی عراق (خرداد ۱۳۶۰) محکوم کرد و میتران قول داد که فرانسه در عملیات بازسازی این راکتورها مشارکت خواهد کرد.

کلود شسون که از اواخر سال ۱۹۸۱ تا ژوئیه‌ی ۱۹۸۴ وزیر خارجه‌ی فرانسه بود پس از کناره‌گیری از مقام خود در مصاحبه با یکی از روزنامه‌های عربی زبان چاپ لندن گفت: «ما در اوایل سال ۱۹۸۰ سعی کردیم حوادث و رخدادها را در چارچوب گسترده‌یی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. در واقع خطرناک‌ترین پدیده در جنگ خلیج فارس این بود که کشور بزرگی در منطقه مانند ایران که سیاست خود را براساس تعصب‌های دینی و سیاسی پی‌ریزی کرده قدرت یابد و چون گرایش‌های سلطه‌طلبانه دارد با اولین مانع یعنی عراق برخورد نموده است. عراق سدی است که می‌تواند از گسترش طبیعی این موج به دیگر کشورها جلوگیری کند.»

فرانسوا میتران در نوامبر ۱۹۸۲ در دیدار رسمی خود از مصر، ضمن یادآوری اهمیت جنگ ایران و عراق، به سیاست دیرینه‌ی کشورش دایر بر حفظ موازنه‌ی هزار ساله بین جهان عرب و جهان فارس اشاره کرده و گفت: «ما مایل نیستیم عراق در این جنگ مغلوب گردد و موازنه‌ی نظامی میان جهان عرب و ایران باید حفظ شود.»^۱

نکته‌ی دیگری که علت نزدیکی فرانسه و عراق را توضیح می‌دهد، تلاش فرانسه برای از بین بردن حساسیت کشورهای عربی درخصوص روابط فرانسه با اسرائیل بوده است.

دولت عراق که نقشه‌های وسیعی برای تهاجم به ایران داشت، پیشاپیش به زمینه‌سازی دیپلماتیک نزد کشورهای اروپای غربی به ویژه فرانسه پرداخت. در ژوئن ۱۹۸۰، یعنی دو ماه پیش از آغاز تهاجم ارتش عراق به ایران، سعدون حمادی وزیر امور خارجه‌ی عراق از پاریس دیدار کرد و دودولت تشابه نظرات خود درخصوص مسایل خاورمیانه و توافق دو کشور را برای دور نگهداشتن منطقه‌ی خلیج فارس از درگیری‌های بین‌المللی اعلام کردند. با آغاز تجاوز

۱. اطلاعات (۱۳۶۱/۹/۱۷) - به نقل از رویتر

نیروهای عراقی به خاک ایران، سفرهای سیاسی دولتمردان عراق به فرانسه بیشتر شد. در طول سه ماه اول جنگ، طارق عزیز دوبار به پاریس رفت و در جریان سفر دوم در ۱۹۸۰ نوامبر ۶۰ فروند جنگنده‌ی بمب افکن میراژ اف-۱ که به تعویق افتاده بود با رئیس جمهور فرانسه مذاکره کرد. در پی این دیدار در دوم فوریه‌ی ۱۹۸۱ عراق فاش ساخت که اولین محموله شامل ۴ فروند میراژ سفارش شده طی قرارداد ۱۹۷۷ را از فرانسه دریافت کرده است.

به دنبال بمباران تأسیسات هسته‌ی عراق به وسیله‌ی هواپیماهای اسرائیلی، طارق عزیز در رأس یک گروه ۸ نفری به فرانسه سفر کرد. در جریان این دیدار طرفین تصمیم به ادامه‌ی همکاری در همه‌ی زمینه‌ها از جمله فن‌آوری هسته‌ی گرفتند. در ضمن موافقت‌نامه‌ی در مورد همکاری فرانسه در بازسازی تأسیسات هسته‌ی تخریب شده‌ی عراق که عربستان سعودی عهده‌دار تأمین مالی آن بود، به امضا رسید. در ۲۱ فوریه‌ی ۱۹۸۲، کلودشسون از بغداد دیدن کرد و در جریان این دیدار تقاضاهای جدید تسلیحاتی عراق مطرح شد.

در اوایل سال ۱۹۸۳ طارق عزیز دو بار دیگر از پاریس دیدن کرد و طی مذاکراتی با میتران و سایر مقام‌های بلندپایه‌ی فرانسوی برای جلب رضایت فرانسه درخصوص تعویق بازپرداخت بدهی‌های عراق، دادن اعتبارات جدید و نیز سفارش تسلیحات بیشتر به مذاکره پرداخت. در جریان این دیدار فاش شد که خریدهای عراق ۴۰ درصد کل فروش فرانسه طی سال ۱۹۸۲ را تشکیل می‌دهد. قسمت عمده‌ی معاملات دو کشور حول محور خرید جنگ افزار توسط عراق و فروش نفت به فرانسه دور می‌زد. عراق از ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۵ حدود ۱۱/۸ میلیارد دلار جنگ افزار مدرن از فرانسه خریداری کرده و بخش مهمی از بهای آن به صورت فروش نفت خام به آن کشور پرداخت می‌شده است. در ۹ فوریه‌ی ۱۹۸۲ گزارش شد که عراق تجهیزات توپخانه‌ی به ارزش ۶۶۰ میلیون دلار به فرانسه سفارش داده است.

نشریه‌ی المجله که در لندن چاپ می‌شود به استناد منابع آگاه فرانسوی در نوامبر ۱۹۸۱ نوشت: اخیراً یک قرارداد خرید سلاح به مبلغ یک میلیارد دلار بین فرانسه و عراق امضا

شده است که به موجب آن فرانسه مقادیر زیادی توپ سنگین به عراق تحویل می‌دهد. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی نیز در ۱۹ آذرماه ۱۳۶۰ نوشت که براساس قراردادی که ممکن است به زودی امضا شود، فرانسه تجهیزات الکترونیکی به مبلغ ۸۰ میلیون دلار در اختیار عراق قرار خواهد داد.

از سوی دیگر، طبق قرارداد ژوئن ۱۹۸۰ بین بغداد و پاریس، عراق در حدود ۴۰ فروند هواپیمای میراژ و ۳۰ کشتی جنگی به ارزش ۷ میلیارد فرانک از فرانسه خریداری کرد و در برابر آن، متعهد شد ۲۵ میلیون تن نفت خام به فرانسه تحویل دهد.^۱

شایان ذکر است که دولت ایران در ابتدای جنگ، قراردادی برای خرید سه ناوچه‌ی موشک انداز با فرانسه امضا کرده بود، ولی به علت وضع مجازات‌های اقتصادی به وسیله‌ی بازار مشترک اروپا در مورد ایران، ناوچه‌های مزبور در بندر شربورگ فرانسه توقیف بودند. به دنبال تحویل ۴ فروند هواپیمای میراژ اف-۱ به عراق، کاردار سفارت ایران در پاریس طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که ایران ماه‌هاست خواستار تحویل ناوچه‌های خود از فرانسه است و هم اکنون نیز گروگان‌های آمریکایی آزاد شده‌اند و تحریم لغو گردیده است؛ بنابراین دولت فرانسه باید ناوچه‌ها را آزاد کند.

سفارت ایران در پاریس نیز طی اعلامیه‌ی اقدام دولت فرانسه دایر بر حمایت از عراق را محکوم کرد. در این بیانیه آمده بود: «با تأسف اطلاع یافتیم که وزارت امور خارجه‌ی فرانسه تحویل شش هواپیمای میراژ را به عراق که دو هواپیمای دیگر، آنها را همراهی می‌کرده تأیید کرده است. تصور این مطلب که فرانسه، کشوری است که رهبران آن در هر فرصتی دم از احترام به آزادی، دموکراسی و دوستی با همه‌ی ملت‌ها می‌زنند، چنین سلاح‌های جنگی مهمی به یک کشور متجاوز و ستمگر چون عراق تحویل خواهد داد، مشکل است. ملت ایران هرگز این اقدام فرانسه را از یاد نخواهد برد.»

خبرگزاری کویت از پاریس طی گزارشی نوشت که ارزش سلاح‌های دریافتی رژیم بعث عراق از فرانسه در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ به ۴۱ میلیارد فرانک می‌رسد.

۱. نشریه‌ی فرانسوی زبان «Magazine» چاپ لندن - ژوئن ۱۹۸۰

در اوایل سال ۱۹۸۳، طارق عزیز تقاضای خرید پنج فروند هواپیمای سوپراتاندار^۱ مجهز به موشک‌های اگزوسه^۲ را تسلیم پاریس نمود. این بار هدف عراق حمله به تأسیسات نفتی ایران در حوزه‌ی خلیج فارس به ویژه خارک بود. در همین رابطه دولت فرانسه اجازه داد که خلبان‌های عراقی به طور محرمانه در یک پایگاه هوایی فرانسه در حوالی شهر «برست» آموزش ببینند.^۳ این اقدام دولت فرانسه باعث واکنش جدی تهران شد. رییس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که در صورت به خطر افتادن صادرات نفتی ایران، به هیچ وجه نفتی از خلیج فارس به غرب نخواهد رسید. نیروی دریایی ایران چه به لحاظ نظامی و چه فنی قادر خواهد بود با غرق کردن چند کشتی نفتکش یا به وسیله‌ی صدها مین تنگه هرگز را ببندد. مسلماً مسؤول چنین مشکل بین‌المللی (در صورت وقوع) نه تنها عراق بلکه فرانسه نیز خواهد بود. طبق برداشت ایران و همان طور که نماینده‌ی ایران در سازمان ملل تشریح کرده مشارکت هواپیماهای فرانسه در جنگ این معنی را می‌دهد که فرانسه در مناقشه به طور مستقیم شرکت دارد.^۴

در سال ۱۹۸۵ عراق بار دیگر خواستار دریافت ۲۴ فروند جنگنده‌ی میراژ از دولت فرانسه شد. در سال ۱۹۸۷ فرانسه ۱۲ فروند دیگر هواپیمای جنگنده‌ی میراژ اف ۱ به عراق تحویل داد. میتران در مصاحبه‌ی تلویزیونی در پاسخ به این سؤال که آیا فرانسه با ارسال تجهیزات جنگی به عراق به طور غیرمستقیم در جنگ شرکت نمی‌کند، گفت: «دولت کنونی فرانسه قراردادهای صدور اسلحه را از دولت پیشین به ارث برده است و من با ادامه‌ی آن قراردادها و امضای قراردادهای جدید به همان روال موافقت کردم زیرا در صورتی که در جبهه‌ی کشورهای عربی شکاف بیفتد، بنیادگرایی اسلامی در تمامی کشورهای مدیترانه و شاید تا ساحل اقیانوس اطلس گسترش یابد.»^۵

1. Super Etandard

2. Exocet

3. Le Monde 24.6.1983

4. Frankfurter Allgemeine 10.9.1983.

از جمله علل ادامه‌ی حمایت فرانسه از رژیم بعث عراق، بدهی‌های سرسام آور آن به فرانسه بود. گرچه آمار دقیقی از میزان این بدهی‌ها در دست نیست ولی «اکسپرس» و «لوموند» آن را ۵۰ میلیارد فرانک و روزنامه‌ی «دوپاری» آن را ۸۰ میلیارد فرانک برآورد کرده‌اند.^۱

ج- مسدود کردن وام یک میلیارد دلاری ایران به فرانسه. در چهارم اسفند ماه ۱۳۵۳ چهار سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، دو موافقت‌نامه و یک قرارداد در زمینه‌ی غنی کردن اورانیوم و پرداخت یک میلیارد دلار وام دراز مدت از طرف ایران به کمیساریای انرژی اتمی، بین ایران و فرانسه به امضا رسیده بود و فرانسه می‌بایست پنج راکتور هسته‌یی در اختیار ایران قرار دهد. دو کشور توافق کرده بودند که در زمینه‌ی تولید اورانیوم غنی شده برای راکتورهای مزبور شرکتی تاسیس کنند. به این ترتیب ایران مالک سهام عمده‌ای در شرکت «اورودیف»^۲ (سازمان غنی کردن اورانیوم در اروپا) می‌شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از قراردادهای رژیم شاه به علت عدم نیاز ایران، باطل اعلام شد. شرکت «اورودیف» که روی قرارداد با ایران حساب زیادی باز کرده بود به سرعت نزد دادگاه‌های فرانسه شکایت کرد و توانست حکم توقیف سهام ایران و توقیف مبلغ یک میلیارد دلار را بگیرد.

سرپرست وقت وزارت امور اقتصاد و دارایی در بهمن ۱۳۵۸ اعلام کرد که قرارداد اتمی مزبور به علت عدم نیاز فسخ شده و شرکت اورودیف به این بهانه وام یک میلیارد دلاری ایران به کمیساریای انرژی اتمی فرانسه را توقیف کرده است و به این ترتیب مانع پرداخت اصل و فرع بدهی‌ها می‌شود.^۳ انسداد اموال ایران تا اردیبهشت ۱۳۶۱ ادامه داشت و سرانجام در پی اعتراض وکلای ایرانی به رأی دادگاه تجارت پاریس، دادگاه استیناف چنین رأی داد که یک شرکت نمی‌تواند از یک دولت شکایت و اموال آن را توقیف کند و به این ترتیب مبلغ یک میلیارد دلاری که به عنوان غرامت بلوکه شده بود، از حساب شرکت مزبور آزاد شد.

1. De Paris 7 Feb.1983

2. EURODIF

۳. اطلاعات (۱۳۵۸/۱۲/۱)

فراز و نشیب روابط تا شروع جنگ سفارتخانه‌ها

مهمان نوازی فرانسوی‌ها در ابتدای انقلاب گرچه به مذاق برخی از غربی‌ها خوش نیامد ولی برای فرانسوی‌ها این امید پدیدار شد که دور تازه‌یی از روابط بین دو کشور آغاز شده است. انتصاب بازرگان به سمت نخست وزیر دولت موقت و انتخاب بنی‌صدر به سمت ریاست جمهوری ایران این امیدها را پررنگ‌تر کرد. برای فرانسه این توهم پیش آمده بود که می‌تواند جای آمریکا را در ایران بگیرد ولی اعتراض دانشجویان عضو انجمن اسلامی در برابر سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس که منجر به اشغال آن گردید به توهم فوق پایان داد. مسیر حوادث آتی نیز باعث شد تا فرانسه رفته رفته از ایران فاصله بگیرد:

- سقوط دولت بازرگان در آبان ۱۳۵۸ که فرانسه امید زیادی به دولت موقت و بافت آن بسته بود؛

- شروع جنگ عراق علیه ایران (شهریور ۱۳۵۹)؛

- پیروزی سوسیالیست‌ها در انتخابات فرانسه (اردیبهشت ۱۳۶۰) و سیاست جمهوری اسلامی در برابر نیروهای معارض چپ؛
- سقوط بنی‌صدر (تیر ۱۳۶۰).

فرانسه براین باور بود که طرفداری از دولت‌های عربی در برابر ایران آنها را به سمت نرمش و ملایمت با اسرائیل و در نتیجه حل مسأله‌ی فلسطین سوق خواهد داد. این محاسبات باعث شد تا فرانسه حتی پس از بازگشت روند جنگ به نفع ایران (۲۳ تیر ۱۳۶۱/۱۴ ژوئیه ۱۹۸۲) عراق را بیش از پیش با سلاح‌های پیشرفته‌تری مجهز کند. هواپیماهای «سوپر اتاندار» مجهز به موشک‌های هوا به دریای «اگزوسه» پایانه‌های نفتی ایران را در تیررس آماج عراقی‌ها قرار داد. با افزایش موج حمایت فرانسه از عراق، احساسات ضد فرانسوی نیز در ایران شدت گرفت.

از طرفی دیگر، سیر حوادث در منطقه‌ی خاورمیانه و به خصوص لبنان و کشته شدن ۵۸ تن از نیروهای فرانسوی و نیز مسأله‌ی گروگان‌ها دلمشغولی دولت‌های گوناگون فرانسه را فراهم ساخت.

شکست‌های مداوم نیروهای عراقی در جبهه‌های جنگ و تسخیر فاو در مجموع منجر به ایجاد یک «لابی کوچک طرفدار ایران»^۱ در وزارت امور خارجه‌ی فرانسه شد.

گرچه شکست دولت سوسیالیست فرانسه، پیروزی ژاک شیراک را در پی داشت ولی شیراک خود گرفتار همان دور تسلسلی شد که میتران در آن غلتیده بود. وی به زودی دریافت که با توجه به نفوذ ایران در لبنان ناچار به عادی ساختن روابط خود با جمهوری اسلامی است. وزارت خارجه‌ی فرانسه احساس می‌کرد که بخشی از جناح حاکمه‌ی فرانسه آلت دست طرفداران عراق بوده و لابی دفتر نخست وزیری گرفتار تله‌ی عراقی‌ها شده است. از این رو به نخست وزیر (شیراک) پیشنهاد کرد با توجه به دلایل سیاسی و راهبردی از ایران حمایت کند تا با آزادی گروگان‌ها، فرانسوی‌ها از این مخمصه رهایی یابند.

ایران از اتخاذ این سیاست استقبال می‌کرد، زیرا به دنبال آن نبود تا علاوه بر آزادی بخشی از یک میلیارد دلار وامی که به پروژه‌ی اورودیف اختصاص داده بود، فرانسه را قانع سازد تا از حمایت‌های سیاسی و نظامی خود از عراق دست بردارد.

در اردیبهشت ۱۳۶۵ (مه ۱۹۸۶) هیأت جمهوری اسلامی ایران به سرپرستی آقای علیرضا معیری^۲ معاون سیاسی نخست وزیر عازم پاریس شد و در پی آن بهبود قابل ملاحظه‌یی در روابط دوجانبه پدید آمد. آزادی دو روزنامه نگار فرانسوی به نام‌های فیلیپ روشا^۳ و ژرژ هانسن^۴ در بیروت (۲۰ ژوئن ۱۹۸۶)، پرداخت ۳۳۰ میلیون دلار از سوی فرانسه به ایران به عنوان بخشی از طلب‌های ایران از اورودیف و اخراج تعدادی از معارضین به عراق از آن جمله بود.

در واکنش به این اقدام‌ها «لابی نیرومند عراق» سریعاً واکنش نشان داد و در شرایطی که مناسبات دو کشور روبه بهبود می‌رفت، ماجرای بمب‌گذاری در خیابان‌های پاریس، این روند را کاملاً متوقف ساخت.

1. Small "Iran Lobby"

۲. سفیر کنونی جمهوری اسلامی ایران در فرانسه

3. Phillipe Rochat

4. Georges Hansen

جنگ سفارتخانه‌ها

در نتیجه‌ی انفجارهایی که در فاصله‌ی روزهای ششم تا هفدهم سپتامبر ۱۹۸۶ در نقاط مختلف پاریس روی داد و منجر به کشته شدن ۹ تن و مجروح شدن ۱۵۰ تن دیگر گردید، دولت فرانسه اقدامات وسیعی را برای مقابله با این بحران فزاینده‌ی داخلی آغاز کرد. در این راستا، قوه‌ی قضاییه‌ی فرانسه خواستار حضور وحید گرجی یکی از کارکنان سفارت ایران در پاریس برای ادای شهادت در رابطه با بمب‌گذاری‌ها در دادگاه بود. اما دولت ایران این درخواست را رد کرد.

در پی این امر، پلیس فرانسه سفارت ایران در پاریس را محاصره کرد (۸ تیر ۱۳۶۶) و دولت ایران نیز متقابلاً سفارت فرانسه در تهران را توسط نیروهای انتظامی محاصره نمود (۹ تیر ۱۳۶۶). جنگ تبلیغاتی شدیدی بین دو دولت آغاز شد تا این که سرانجام دولت فرانسه تصمیم گرفت رابطه‌ی دیپلماتیک خود را با ایران قطع نماید (۲۶ تیر ۱۳۶۶). این جریان تا آذر ۱۳۶۶ به طول انجامید. در آن تاریخ، ژان پل توری^۱ کنسول فرانسه در تهران جهت ادای توضیحات در نزد مقام‌های قضایی ایران حضور یافت و همین طور عضو سفارت ایران در پاریس نیز در دادگاه حضور به هم رساند. در پی این امر، دو نفر یاد شده به کشورهای خود بازگشتند و به این ترتیب جنگ سفارتخانه‌ها پایان یافت.

تجدید روابط

پس از مذاکرات متعددی که میان نمایندگان دو کشور صورت گرفت، مقرر گردید که طرفین روابط سیاسی خود را از تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۶۷ از سرگیرند. با عزیمت علی آهنی سفیر جمهوری اسلامی ایران به پاریس، کریستین گراف نیز به عنوان سفیر فرانسه در تهران، کار خود را از سرگرفت.

1. Jean Paul Torri

حل مسایل مالی

در مذاکرات وزرای خارجه با یکدیگر، تهران و پاریس هم‌چنین بر سر اختلاف‌های مالی توافق کردند. فرانسه از مبلغ یک میلیارد دلار بدهی خود مبلغ ۶۳۰ میلیون دلار آن را طی دو قسط به ایران پرداخت کرده بود ولی پرداخت مرحله‌ی سوم و نیز بهره‌ی مطالبه شده توسط ایران با اشکال مواجه گردید.

در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۱ ایران و فرانسه قراردادی را امضا کردند که به موجب آن مقرر گردید فرانسه مبلغ ۵۵۰ میلیون دلار را ۴۸ ساعت پس از امضای قرارداد و مبلغ ۴۵۰ میلیون دلار دیگر را طی سه قسط (در سال ۱۹۹۲) به ایران بپردازد. به این ترتیب دولت فرانسه با امضای یک قرارداد در ۱۶ ماده و ۲۰ ضمیمه متعهد شد تا جمعاً مبلغ ۱/۶۳۰ میلیارد دلار بابت وام یک میلیارد دلاری مذکور به ایران باز پس دهد.

در همین حال اعلام شد که میزان تجارت بین دو کشور در سال ۱۹۹۱ بالغ بر ۱۲/۵ میلیارد فرانک فرانسه گردیده است.

سردی مجدد روابط

در مرداد ۱۳۷۰ و در پی قتل شاهپور بختیار (آخرین نخست وزیر رژیم شاهنشاهی) در پاریس، از گرمی روابط بین دو کشور کاسته شد و برنامه‌ی سفر فرانسوا میتران رئیس جمهوری فرانسه به ایران نیز لغو گردید. در این راستا دولت فرانسه اقدام به دستگیری چندین مظنون به اتهام دست داشتن در ترور یاد شده کرد و از دولت سوییس که اقدام به دستگیری زین‌العابدین سرحدی‌زاده کارمند وزارت امور خارجه‌ی ایران نموده بود تقاضا کرد تا وی را برای محاکمه به فرانسه مسترد دارد. به دنبال استرداد سرحدی‌زاده، وزارت امور خارجه‌ی دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن احضار سفیر فرانسه در تهران ناراضیاتی خود را از این اقدام ابراز و خواستار آزادی هر چه زودتر کارمند یاد شده گردید (۱۳۷۱/۳/۱۵).

سرانجام در پاییز ۱۹۹۴ میلادی محاکمه‌ی جنجالی متهمین به قتل بختیار و منشی وی آغاز شد و پس از چندین هفته، دادگاه در نوامبر ۱۹۹۴ آرای خود را صادر کرد.

به دنبال انجام این محاکمه و فروکش کردن جو تنش و مخالفت فرانسه با برخی از مواضع آمریکا در منطقه و نیز به دنبال دستور اخراج چهار دیپلمات و یک شهروند آمریکایی به جرم جاسوسی از فرانسه (اسفند ۱۳۷۳)، روابط دو کشور گرمی بالنسبه محسوس گذشته را بازیافت.

در نهم اسفند ۱۳۷۳، مدیرکل اروپای غربی وزارت امور خارجه طی مصاحبه‌یی با روزنامه‌ی ایران نیوز درخصوص روابط با فرانسه اعلام کرد: «سیاست ایران داشتن روابط خوب با آن کشور و براساس احترام متقابل است.»

وی با اشاره به تغییر و تحولات موجود در روابط دو کشور و با اشاره به دیدار دبیرکل وزارت امور خارجه‌ی فرانسه از تهران که طی آن موافقت‌هایی در زمینه‌های مختلف و به خصوص در زمینه‌ی اقتصادی حاصل شد گفت: برنامه‌هایی برای ارتقای سطح روابط با فرانسه در دست است. تجربه‌های گذشته ثابت نموده است که ایران می‌تواند روابط مستحکمی با جناح‌های مختلف داشته باشد که روابط متقابل را تضمین کند.»

موضع فرانسه در برابر تحریم‌های آمریکا

به دنبال اعلام تصمیم دولت آمریکا مبنی بر اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران (۱۳۷۴/۲/۱۰) دولت فرانسه اعلام کرد که با این اقدامات مخالف است.

آلن ژوپه وزیر امور خارجه‌ی فرانسه و رییس شورای تصمیم‌گیری اتحادیه‌ی اروپایی اظهار داشت: «ما به تحریم‌های یکطرفه اعتقادی نداریم. دیگر دیپلمات‌های فرانسه نیز شکوه می‌کنند که با وجود این که آمریکا درصدد جلب حمایت اروپا در اعمال تحریم‌های اقتصادی خود علیه ایران است، با اتحادیه‌ی اروپایی در این زمینه مشورت نمی‌کند.»

روابط دو کشور پس از پیروزی ژاک شیراک

در پی پیروزی ژاک شیراک در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه (۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۴) وی اعلام کرد: من برخلاف خیلی از کسانی که معتقدند باید ایران را منزوی و

روابطمان را با این کشور محدود کرد، «معتقدم باید روابط فرانسه با ایران گسترش پیدا کند، برای این که ما نمی‌توانیم به دلیل این که دولت ایران در بعضی جاها روش تندی دارد، ایران را کنار بگذاریم. اگر ما ایران را منزوی کنیم روش آن کشور شدیدتر خواهد شد.»

رئیس‌جمهور اسلامی ایران نیز طی پیام تبریکی که به مناسبت انتخاب ژاک شیراک برای ریاست جمهوری فرانسه فرستاد ابراز امیدواری کرد که افق‌های تازه‌یی در روابط بین دو کشور پدید خواهد آمد.

در ادامه‌ی این پیام آمده بود:

باتوجه به تجربه، درایت سیاسی و دیدگاه مثبت آن جناب نسبت به ایران و جهان اسلام، اطمینان دارم که مناسبات تاریخی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه شاهد ظهور افق‌های تازه‌یی در همکاری‌های همه‌جانبه خواهد بود.

رئیس‌جمهوری در این پیام افزود: فرانسه می‌تواند به یکی از مهم‌ترین مخاطب‌های سیاسی و شرکای اقتصادی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده و از موقعیت شایسته‌یی در برنامه‌های آینده‌ی توسعه‌ی اقتصادی ایران برخوردار شود. بدون تردید، دو کشور در پرتو گسترش و تعمیق همکاری‌های مورد علاقه، می‌توانند نقش مؤثری در شکل‌دهی به روابط منطقه‌یی و بین‌المللی آینده ایفا کنند.

وی در پایان، آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای برداشتن گام‌های بلندتر بر مبنای روابط سازنده، پایدار و درازمدت، توأم با اعتماد و تفاهم متقابل اعلام کرد. روزنامه‌ی ایران نیوز نیز در همین رابطه نوشت:

«دورنمای توسعه‌ی روابط بین دو کشور بسیار درخشان به نظر می‌رسد.»

با روی کار آمدن شیراک نقاط تماس زیر در سیاست خارجی تهران و پاریس مشاهده شد:

۱. حل مسأله‌ی الجزایر برای شیراک فوری‌ترین مسأله بود و جمهوری اسلامی ایران از تلاش‌هایی که برای اعاده‌ی دموکراسی و حاکمیت مردم الجزایر صورت گرفت، استقبال کرد.
۲. ایجاد توازن بین اهداف امریکا و اروپای متحد. مسأله‌ی جنگ یوسنی در قلب اروپا یکی از مواردی بود که باید هرچه زودتر به آن پایان داده می‌شد. اجلاس میان ایران، یونان و

بوسنی توانست راهکارهای ملموس‌تری ارایه کند.

۳. ترسیم سیاست‌های اصولی فرانسه در خاورمیانه و خلیج فارس و مد نظر قراردادن ایران به عنوان بزرگ‌ترین قدرت منطقه.

۴. همکاری دو کشور در منطقه‌ی آسیای مرکزی و این که ایران اصلی‌ترین راه ورود به بازارهای منطقه است.

۵. ایجاد تعادل در جریان مذاکرات سازش در خاورمیانه. پاریس باید در مقابل جهان اسلام دست به تجدید نظر در سیاست‌های خارجی خود که سایه‌ی روابط اسراییل بر آن سنگینی می‌کند، بزند.

پیروزی خاتمی

پس از انتخابات دوم خرداد و پیروزی قاطع آقای خاتمی که موجب جهت‌گیری‌های جدیدی در سیاست خارجی ایران گردید، روابط فرانسه با ایران که به صورت تابعی از روابط با اتحادیه‌ی اروپایی درآمده بود، از شتاب بیشتری برخوردار شد. تنش‌زدایی و تفاهم بیشتر با کشورهای مسلمان در منطقه‌ی خلیج فارس، حوزه‌ی دریای خزر و شمال آفریقا موجب تحول در روابط اتحادیه‌ی اروپایی با ایران و طرح مباحثات حول همکاری‌های همه‌جانبه و توسعه‌ی آن گردید.

حکم دادگاه برلین درخصوص «ماجرای میکونوس» نه تنها در روابط ایران و آلمان بلکه در روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپایی نیز اختلال ایجاد کرده بود. با این وجود حوادث بعدی نشان داد که نه ایران و نه اتحادیه‌ی اروپایی آمادگی به خطر انداختن منافع اقتصادی خود را ندارند. آلمان با داشتن بیش از ۱/۸ میلیارد دلار داد و ستد تجاری بزرگ‌ترین شریک تجاری غربی ایران به شمار می‌رود که براهمیت گفت‌وگو با ایران تأکید دارد.

فرانسه در ترغیب بازگرداندن سفیران اتحادیه‌ی اروپایی به ایران نقش مهمی ایفا کرد و سرانجام در اسفند ۱۳۷۶ و پس از اجلاس وزرای اتحادیه، تحریم مذاکره با ایران پایان پذیرفت و از آن پس «مذاکرات جامع و فراگیر» در مورد موضوع‌های مورد علاقه‌ی طرفین

جایگزین «مذاکرات انتقادی» گردید. کشورهای اروپایی هم‌چنین مذاکرات در سطح وزرا را پیشنهاد کردند که بلافاصله لامبرتودینی، وزیر امور خارجه‌ی ایتالیا به عنوان نشان دادن حسن نیت به تهران سفر کرد. اقدامات اتحادیه‌ی اروپایی باعث شد تا آثار تحریم‌های امریکا علیه ایران روز به روز کم رنگ تر شود.

در حدود دو سالی که از ریاست جمهوری آقای خاتمی سپری شده است، روابط دو کشور بیش از پیش در مسیر بهبودی قرار گرفته و گرمی سابق خود را بازیافته است. ملاقات وزیر خارجه‌ی فرانسه با همتای ایرانی خود در اوایل سال میلادی ۱۹۹۸ در حاشیه‌ی بیست و هشتمین اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در سوییس و تأکید بر تحکیم هر چه بیشتر روابط، ادامه‌ی مخالفت با قانون آمریکایی داماتو، سفر والرئ ژیسکار دستن رییس جمهور اسبق فرانسه به تهران (ژوئن ۱۹۹۸)، سفر روزه‌گارودی نویسنده و محقق فرانسوی، ملاقات مشاور رییس جمهور فرانسه با دکتر ظریف معاون حقوقی و امور بین‌المللی وزارت امور خارجه و تأکید بر همکاری با ایران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، خلع سلاح و مواد مخدر (۱۳۷۷/۵/۲)، سفر وزیر خارجه‌ی فرانسه به تهران (۳۰ مرداد ۱۳۷۷) و تقدیم دعوت‌نامه‌ی شیراک از آقای خاتمی برای دیدار از فرانسه، ادامه‌ی همکاری‌های نفتی با ایران، دیدار وزیر امور خارجه (کمال خرازی) از فرانسه و ملاقات با بلندپایگان آن کشور (بهمن ۱۳۷۷)، و نیز امضای قرارداد اعطای وام ۹۰۰ میلیون دلاری بین ایران و بانک اعتبارات کشاورزی فرانسه (اسفند ۱۳۷۷)، برای تأمین امور مالی فعالیت‌های در دست اجرای توسعه‌ی مرحله‌ی اول میدان گازی پارس جنوبی که قرار است در این مرحله یک میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی و ۴۰ هزار بشکه مایعات گازی تولید کند و دیدار هیأت دوستی پارلمانی فرانسه از ایران (فروردین ۱۳۷۸) از جمله تحولات مهم سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ به شمار می‌روند.

دولت فرانسه که در سال ۱۹۹۷ حدود ۱/۶ میلیارد دلار با ایران مبادلات تجاری داشت، در سال ۱۹۹۸ نیز به اتخاذ سیاست «دفاع سیاسی از منافع شرکت‌های تجاری در خاورمیانه» ادامه داد. این تحرک در ابتدای سال ۱۳۷۷ منجر به عقب‌نشینی امریکا از اجرای

سیاست تحریم علیه شرکت توتال^۱ فرانسه شد که یک قرارداد عظیم در زمینه‌ی گاز با ایران امضا کرده بود. این عقب‌نشینی که در جریان اجلاس سران هفت کشور صنعتی و روسیه در بیرمنگام انگلیس آشکار شد، شرکت‌های تجاری فرانسه را به حضور مؤثرتر در اقتصاد ایران ترغیب کرد و در نتیجه پس از توتال، شرکت نفتی «الف»^۲ فرانسه در زمستان ۱۳۷۷ همراه با شرکت ایتالیایی «اجیپ» یک قرارداد ۵۴۰ میلیون دلاری برای مشارکت در حوزه‌ی نفتی «دورود» به امضا رساند.

بازتاب اقدامات مذکور در رسانه‌های گروهی جهان نشان می‌دهد که آقای خاتمی توانسته است، ظرف دوسالی که از عمر زیاست جمهوری وی سپری شده است، یخ‌های روابط با اروپا را بشکند و در این راستا رهبران فرانسه نیز با عنایت به زمینه‌های درخشان تاریخی و فرهنگی درک مثبت‌تری از تحولات ایران، نقش و جایگاه شایسته‌ی آن در روابط بین‌الملل داشته باشند.

کتاب‌شناسی

- نصر، سیدتقی، ایران در برخورد با استعمارگران، شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۳.
- نوابی، عبدالحسین، ایران و جهان: از مغول تا قاجاریه، تهران نشر هما، ۱۳۶۴، (ج ۱).
- نوابی، عبدالحسین، ایران و جهان: از قاجاریه تا پایان عهدناصری، تهران: نشر هما، ۱۳۶۹ (جلد ۲).
- مهمید، محمدعلی، پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران، میترا، ۱۳۶۱.
- غفاری، ابوالحسن، تاریخ روابط ایران و فرانسه، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
- اعضاءالدوله، عباس میرزا، تاریخ روابط ایران و ناپلئون، تهران: زرین، ۱۳۶۳.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- تاریخ روابط خارجی ایران: از پایان جنگ دوم تا سقوط رژیم پهلوی، تهران: ۱۳۶۸.
- قائم مقامی، سیف‌الدین، تاریخ روابط معنوی و سیاسی ایران و فرانسه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.

1. TOTAL

2. ELF

- علی‌بابایی، غلامرضا، تاریخ سیاست خارجی ایران، تهران: درس، ۱۳۷۵.
- امیرعلایی، شمس‌الدین، در راه انقلاب و دشواری‌های مأموریت من در فرانسه، تهران: دهخدا، ۱۳۶۲.
- روابط ایران با کشورهای جهان در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، وزارت خارجه ۱۳۵۵.
- فلسفی، نصرالله، زندگی شاه عباس، تهران: علمی، ۱۳۶۹.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: البرز، ۱۳۷۳.
- فلسفی، نصرالله، سیاست خارجی ایران در دوره‌ی صفویه، تهران: جیبی ۱۳۴۲.
- نظری به فرانسه‌ی امروز و روابط دیرین ایران و فرانسه، اداره‌ی سوم سیاسی وزارت امور خارجه، آذر ۱۳۵۳، ص ۶۶ تا ۷۳.
- بزرگمهری، مجید، روابط ایران و فرانسه در دهه‌ی اول انقلاب اسلامی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۱۱-۱۱۲، آذرودی ۱۳۷۵.

Iran and the World. Shireen T. Hunter. Indiana Polis: Indiana Polis Univ. 1990

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی